فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص٦٦-۲۹ Vol 2. No 23. 2018, p 29-66
شماره شاپا (۲۵۳۸-٦۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی مسئولیت دولت‌های حامی تروریسم تکفیری از منظر حقوق بین الملل

عباس تقوایی[۱]. یوسف متولی پور[۲]
۱. عضوهیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان. ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس. ایران

چکیده
تحقیق حاضر به بررسی مسئوولیت دولت‌های حامی تروریسم تکفیری از منظر حقوق بین الملل به عنوان یکی از چالش‌های روز منطقه و بین الملل می پردازد، و درمقام پاسخ به این سئوال است که، مسئوولیت دولتهای حامی تروریسم تکفیری در چارچوب قواعد ماهوی حقوق بین الملل چه وجهی دارد؟ با عنایت به این که این اقدامات در منظر سازمان های بین المللی و حامی حقوق بشر در حال اتفاق است؛ تحقیق پیش رو از دریچه اسناد و مقررات بین المللی، موضوع را مورد بررسی قرار داده است، ضمن بررسی و انطباق اقدامات تکفیریی‌ها با اسناد بین المللی، با معرفی برخی از ظرفیت های بین المللی و ارائه پیشنهادات وراه کارهای عملی از گسترش این جریان انحرافی جلوگیری نماید. این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و در ضمن این تحقیق همانند غالب تألیفات حقوقی روش کتابخانه ای است. در نهایت به این نتیجه گیری رسیده ایم که قواعد ماهوی حقوق بین الملل از سوی دولت های حامی تروریسم تکفیری نقض شده است و در قبال کشتار مردم و تخریب زیر بناها و. . . کشور مورد تعرض، بایستی جبران خسارت نموده و ضمن پاسخگو بودن، تحت تعقیب و مجازات در مراجع صالحه قانونی و قضایی قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت دولت ها، تروریسم تکفیری، تکفیر، حقوق بین الملل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱. مقدمه

پس از اشغال افغانستان به وسیله قوای سرخ شوروی سابق، اتفاق برخی از کشورها (آمریکا، انگلیس، ایتالیا و. . .) بر آن شد که برای خروج شوروی از افغانستان، از روحیه جهادی جوانان مسلمان در منطقه استفاده شود که به دلیل فقدان رهبری آگاه از موازین و شرایط جهاد؛ تلاشِ پیکارگران به گونه دیگر تغییر یافت و برخی از آنان با تأثیرپذیری از افکار وهابیان تندرو، علاوه بر کافر خواندن غربیان ودولت های حامی، به تکفیر برخی از دولت و ملت های اسلامی پرداختند. شوربختانه آغاز شکل گیری اندیشه جهاد علیه کفر، با حمله به کشورهای مبارز در برابر رژیم صهیونیستی، انجام شد و اندیشه آزادی قدس شریف (اولین قبله مسلمانان)؛ به نابود کردن زیرساخت‌های کشورهای اسلامی همچون سوریه و عراق و. . . تغییر یافت.

«تروریسم به کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف یا طبقات معین و یا همه مردم کشور راگفته اند».[۱]واژ ترور که واژه ای فرانسوی معادل واژه عربی ارهاب از مصدر رهب به معنای «ترس و ترساندن، ایجاد وحشت فوق العاده است» که در زبان انگلیسی اصل کلمه **terror** به فعل **ters** بر می‌گردد که آن نیز به معنای ترس و ترساندن است. بیشتر مشتقات این واژه مدل همین معنا و مفهوم به کار برده می شوند و ترور و تروریسم معناهای مشابهی را به ذهن متبادر می سازد.[۲]

ایمان و کفر دو مفهوم متضادند که از اندیشه یکی، دیگری نیز تداعی می‌شود؛ این نوع حالت را در فلسفه تضایف می‌نامند. «واژه ایمان به معنای تصدیق و باور کردن، و لفظ کفر به معنای ستر و احیاناً به معنای انکار است».[۳]

«در زمان معاصر، گروهی تند رو و ناآگاه از اصول و مبانی آیین محمدی، اسلام و ایمان را گویی برای خود احتکار کرده و از میان همه مسلمانان، فقط گروهی اندکی را مؤمن می‌دانند و دیگران را کافر و مهدورالدم می‌شمرند. ریشه این نوع تکفیر به عصر ابن تیمیه (ت ۷۲۸ ق.) و پس از وی به وهابیان تندرو بر می‌گردد و شدت عمل گروه دوم بیش از فرد نخستین است. تکفیر پیشینیان غالباً قلمی و لسانی بوده، اما تکفیر از دوره وهابیان تندرو رنگ خشونت به خود گرفته و پیروانشان پیوسته به قری و قصبات و آبادی‌های اطراف «نجد» حمله می‌بردند و، آنچه می‌توانستند غارت می‌کردند و از این طریق بر قدرت مالی خود می افزودند».[۴]

«اکنون تروریسم به عنوان بحث روز، مشغله ذهنی و نگرانی اصلی ملتها و امتها در سطوح مختلف آن شده است و در مقابل، توانمندیهای سازمان یافته گروه‌های تروریستی در جهان دائم درحال رشد و گسترده جنایات آنان به طور کلی رو به افزایش گذاشته است و باید گفت این سازمان‌های تروریستی آنقدر

---

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ص۱۵۰.

۲. توکلی، یعقوب (۱۳۸۸). دو نظریه تروریسم و فداکاری در ایران، انتشارات سوره مهره، ص۱۳

۳. فرمانیان، مهدی (۱۳۹۳). مجموعه مقالات کنگره جهانی جریانهای افراطی تکفیری، انتشارات اهل بیت، ص ۱۱.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر همان، ص۱۲.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

خطرناک هستند که در هیچ دوره ای از دوره های تاریخ با چنین وضعی دیده نشده اند. چرا که تروریسم جدید در حال حاضر، درنده خوتر ازگذشته و بالاترین آمار مراتب جرم و جنایت را داراست. به حق می‌توان عصر حاضر را، عصر ترس و وحشت نامید، چه در سطوح افراد وچه در سطح ملتها، ضمن اینکه همه ادیان الهی پدیده خشونت و تجاوز را به حقوق دیگران را محکوم می کنند، بلکه در پی آن هستند که منزلت انسان را به بالاترین مراتبی که خداوند متعال برای او در نظر گرفته است، برسانند تا به سوی ایمان و ارزش های ارجمند و تحقق عدالت رهنمون شوند و این رهگذر شأن و مکانت جوامع انسانی به جایگاه حقیقی خود برسد».[۵]

«در بسیاری از موارد، دولت های بسیاری که با یکدیگر مشکلات سیاسی و امنیتی دارند برای تحمیل آراء خود، دست اندازی در مرزهای یکدیگر می پردازند. بهترین وسیله برای دخالت سازماندهی یا حمایت از گروه‌های مخالف، تجزیه طلب و تروریست در دولت مقابل می پردازند. این اقدام یکی از اصلی ترین نقطه های هم پیوندی تروریسم دولتی و سازمان یافته است».[۶]

«موضوع تروریسم ساده نیست و مقداری پیچیدگی دارد، بخصوص این که این پدیده ریشه های ممتد تاریخی، انگیزه های گوناگون، اشکال مختلف و متنوع و گسترده ای دارد، بالاخص اگر دولتی متکفل آن شود، وتمام امکانات و توانمندی های خود را در راه تروریسم بسیج کند و به کار گیرد. همه ما باید به خوبی این نکته را درک کرده باشیم که تأثیرات منفی تروریسم، و یا خراب کاری و ویرانگریهای آن مختص به یک کشور خاصی نسیت بلکه پدیده ای بسیار خطرناک و موحش می‌باشد که همه ممالک جهان را هدف قرار داده است، از این رو عملیات وتمهیدات لازم برای بررسی، مطالعه و حل مشکل آن به صورت انفرادی نمی‌تواند به نتایج خوبی برای محدود و مهار کردن آن بی‌نجامد، به همین دلیل حل این معضل مستلزم یک سعی و تلاش و کوشش همه جانبه عربی، اسلامی و غربی، به صورت یکپارچه و در همه سطوح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اطلاع رسانی و. . . است. باید برنامه عملیاتی و نقشه راه درازمدتی برای مبارزه با پدیده تروریسم تدوین و تنظیم کرد و باید طرح های مناسب و راه حلهای عملی که به محدود و مهار و ازبین بردن این پدیده منتهی شودرا، پیشنهاد کردکه این البته مستلزم یک وضع مشترک که از جانب اطراف، موسسات و نهادهای عربی، اسلامی و بین المللی اتخاذ گردد تا این دشمن مشترک ابتدا بازشناسایی شود و سپس باید او را محاصره و تنگنا قرار داد، آن گاه دستگیر و محاکمه کرد».[۷]

طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون تامین مالی تروریسم اقدامات این جریان تکفیری، تروریسم بین المللی محسوب می‌شود. این ماده چنین مقرر می دارد:

۱. نصیری دامغانی، عباس (۱۳۹۳). جریان شناسی سلفی تکفیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱۳.

۲. توکلی، یعقوب همان، ص ۲۵

۳. نصیری دامغانی، عباس همان ص ۳۲۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کمک مالی به تروریسم طبق این کنوانسیون و پناه دادن به آنها طبق قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ تخلف بین المللی است. هرچند تروریسم یک جرم مشمول صلاحیت جهانی نیست، اما کشورهای متبوع اعضای داعش و کشورهای محل فعالیت آنها متعهدند که مجازات انگاری لازم برای تعقیب آنها را داشته باشند.

تفکر اسلام گرایان افراطی منشعب شده از برخی مذاهب اسلامی که با شعار جهاد نظامی علیه ادیان دیگر و حتی سایر فرق اسلامی همچون شیعه، اقدام به ایجاد گروه هایی در منطقه شده اند که نه تنها سبب ادامه روند پروژه اسلام هراسی است بلکه با سیطره در برخی از کشورهای اسلامی همچون عراق، سوریه، مصر، بخش هایی از لبنان و. . . سبب تغییر منطقه امن جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه شده که این امر با منافع ملی در تضاد است و در آینده نزدیک می بایست شاهد تغییر معادلات قدرت در منطقه باشیم. از این رو، ضروری است بدواً به علل تاریخی شکل گیری این گروه ها پرداخت تا پس از شناخت صحیح از ماهیت این گروه ها به تطبیق اقدامات آنان با اسناد بین المللی بپردازیم تا با احصاء موارد آشکار تضاد اقدامات جریانات تکفیری با اسناد حقوق بین الملل و شناخت ظرفیت های سازمان های بین المللی از روند رو به رشد آنان جلوگیری و با تدوین برنامه های کوتاه و دراز مدت بتوان منطقه خاورمیانه را به منطقه امن و استراتژیک برای عمق اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران تبدیل نمود و از طرف دیگر ناظریم که در عرصه بررسی های علمی دانشگاهی به صورت جامع و مانع، کار علمی و تحقیقاتی در خصوص این گروه‌ها بالاخص تطبیق اقدامات آنان با موازین بین المللی انجام نشده است و صرفاً به صورت پراکنده مقاله‌هایی در خصوص منشا تشکیل داعش به رشته تحریر درآمده است.

در این مقاله سعی شده است تا با بررسی مسئولیت دولت های حامی تروریسم تکفیری به عنوان یکی از چالش های روز منطقه وبین الملل با عنایت به فرضیه های مطرح شده و سئوالات واهداف مدنظر پاسخ و نتیجه منطقی وموثر حاصل آید.

مبحث اول: تعاریف و مفاهیم

گفتار اول: تعریف تروریسم

ترور[۸] در فرهنگ سیاسی به «احساس ترس» معنی شده است. واژه ی تروریسم[۹] عقیده داشتن بر لزوم آدم کشی، تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم، برای نیل به هدف های سیاسی، یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت و یا تفویض آن به گروه دیگری معنا شده است. واژه ی ترور از زبان فرانسه به زبان فارسی راه یافته است و در زبان فرانسه و انگلیس نیز به معنای ترس و وحشت به کار برده می‌شود:[۱۰]

1. Terror
2. Terrorism

۳. محمدی، داود (۱۳۷۵) تروریست های ضد تروریسم، روزنامه سلام، ۲۱ مهرماه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پیران جامعه شناس و محقق علوم اجتماعی معتقد است: ترور را می‌توان ایجاد وحشتِ سازمان یافته برای اِعمال قدرت تعریف کرد. البته این تعریف به انقلاب کبیر فرانسه و دورانی به نام ترور باز می‌گردد. اگر ما چنین تعریفی را بپذیریم، بدیهی است که سابقه ی آن به سال های بسیار دور و زمان شکل گیری نخستین نطفه های حاکمیت و قدرت باز می‌گردد و طبیعی است که به دلیل هوشمندی بشر، همیشه این احتمال وجود دارد که انسان ها در شرایط خاصی با حذف فیزیکی دیگری، یا قدرت خود را تثبیت کنند، یا آن را بسط دهند. در اسطوره ها و ادبیات مذهبی خودمان نیز به مقوله ی ترور بر می خوریم که بحث هابیل و قابیل از این قبیل است البته لازم به توضیح است که هر حذفی را نمی‌توان ترور نامید و حتماً باید در این حذف بحث اشغال، یا تثبیت حاکمیت وجود داشته باشد و در واقع در قالب ترور سیاسی تعریف می‌شود.[۱۱]

گفتار دوم: تعریف مسئولیت بین الملل

«مسئولیت بین المللی یکی از مهمترین واساسی ترین، نهادهای حقوق بین المللی است. زیراهرگونه تعهد حقوقی بین المللی، که از سوی تابعان حقوق بین الملل نادیده گرفته شود. مسئولیت بین المللی آنها بدنبال خواهد داشت.

مسئولیت بین المللی به مثابه یک نهاد حقوقی بین المللی است. وعبارت است از الزام به جبران خسارت مادی ومعنوی، وارد شده به تابعان حقوق بین الملل (سازمان‌ها یا کشورها)، ممکن است این خسارت ناشی از یک عمل غیر مشروع ویا خوداری از عمل، و مخالف حقوق بین الملل بوجود آمده باشد.

بر اساس نظریه پرفسور بدوان مسئولیت بین المللی، نهادی است حقوقی، که به موجب آن اگرکشوری مرتکب عمل خلاف حقوق بین الملل گردد. باید خسارت وارده را جبران نماید. شارل روسو برای این نهاد حقوقی، نقشی اساسی قایل شده. هر چند که به نظروی حقوق بین الملل از خیلی جهات ابتدایی است. ودر اکثر دعاوی بین المللی اثر ترمیمی دارد تا ابطالی».[۱۲]

به عبارتی دیگر مسئولیت بین‌المللی تکلیفی است که به موجب حقوق بین‌الملل به دولت‌ها تحمیل می‌گردد، تا هر دولت خساراتی را که بر اثر نقض قواعد حقوق بین‌الملل، ناشی از عمل یا خودداری‌اش در انجام‌دادن تکلیف به دولت دیگر وارد کرده، جبران نماید. به بیان دیگر، تعهد به جبران خسارت، محتوای اصلی مسئولیت بین‌المللی است و در اشکال مختلف و راه‌های گوناگون به اجرا درمی‌آید که هریک از آن کارکرد خاصی دارد. جبران خسارت واژه‌ای عمومی و کلی است که روش‌های گوناگون و تحت اختیار، برای رهاساختن خویش از مسئولیت بین‌المللی یا ادای مسئولیت را تشریح می‌کند.

---

۱. بهارلو، اکبر(۱۳۸۰) کنکاشی در مبانی و تعاریف ترور و تروریسم، مجله پگاه حوزه، مهرماه، شماره ۲۳

۲. حامی، نصرت الله، حقوق بین الملل عرفی در مورد تابعیت مضاعف، مجله حقوقی، شماره ۲(۱۳۹۰).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گفتار سوم: مفهوم تروریسم

این واژه در طی ۲۰۰ سال اخیر در معرض تغییرات زیادی قرار گرفته است؛ در آغاز کاربرد خود، برای دلالت بر فعّالیت حکومت‌های پس از انقلاب فرانسه به کار رفته؛ و تنها در آخر قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم میلادی بر اعمال خشونت‌آمیز بر ضدّ حکومت دلالت کرده است[۳]تروریسم یکی از نمادهای خشونتی است که انسان در جامعه انجام می‌دهد. این فعّالیت زاییده امروز نیست؛ بلکه در طول تاریخ در جریان بوده است. مصری‌های باستان شاهد آن بوده‌اند و تا دوران یونانیان باستان و سپس دوران روم باستان و در فرانسه در قرن ۱۹ هم‌زمان با اعلام جمهوری ادامه یافته است. تروریسم، پا به پای جنبش‌های آزادی‌بخش در نقاط مختلف دنیا در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا جان گرفت و به جای‌گزینی برای جنگ‌های سنّتی و مرسوم تبدیل شده است. در سال‌های اخیر فعّالیت‌های تروریستی به صورت قابل توجّهی افزایش یافته است.

«مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۳۷ این واژه را این‌گونه تعریف کرده است: همه اعمال مجرمانه ضدّ کشورها که به حکم ماهیت یا هدف این اعمال، کارش برانگیختن ترس در جان شخصیت‌های مشخّص یا گروهی از افراد جامعه و یا توده مردم است».[۱۴]

قانون تصویب شده توسّط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ در مورد اقدامات مقابله با تروریسم بین‌المللی دربردارنده این تاکید است که اقدامات مجرمانه که طبیعت آن‌ها برانگیختن ترس در جان عموم مردم یا گروهی از اشخاص به خاطر اهداف سیاسی است؛ در هیچ شرایطی و با هیچ دیدگاه و راهبردی توجیه‌پذیر نیست؛ فرقی نمی‌کند که دیدگاه و نظریاتی که برای این توجیه به کار گرفته می‌شود سیاسی باشد یا فلسفی یا ایدئولوژیک یا رادیکالی یا نژادپرستانه یا دینی و یا هر دیدگاه دیگر.

«تروریسم بین‌المللی، عبارت است از اقدامات و ابزار ناموجّهی که سازمان‌ها یا کشورها برای برانگیختن ترس عموم مردم یا گروهی از آن‌ها به علل سیاسی بدون توجّه به انگیزه‌های گوناگون آن از آن‌ها بهره می‌برند. در سایت فرهنگ لغت «لاروس» به زبان فرانسوی در کنار چند سطر نخست تعریف واژه «ارهاب» (تروریسم) تصویری از «مناحم بیگن»، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی قرار داده شده که پشت‌سر او پرچم اسرائیل نمایان است.[۱۵]فرهنگ لغت لاروس که مرجع و ضامن علمیت و بی‌طرفی برای میلیون‌ها فرانسوی و همه ملّت‌های فرانسوی‌زبان در گوشه و کنار دنیا (فرانکفونی)[۱۶]به حساب می‌آید؛

جامعه‌شناسی سیاسی تروریسم را این‌گونه تعریف کرده است: «هر حرکت یا رفتار بشری که در تعامل با مدیریت روابط انسانی به هنگام اختلافات آن‌ها در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به سراغ به کارگیری مقداری از قوه قهریه شامل اجبار و آزار جسمی و به کارگیری غیر قانونی اسلحه و

---

۱. الکس پ. اشمید، الإرهاب والجریمة، ص ۲۲۴.

۲. عبید حسنین، الجریمة الدولیة دراسة تحلیلیة تطبیقیة، ص ۳۳.

۳. فرهنگ لغت لاروس عربی به فرانسه.

۴. واژه فرانکوفونی نخستین بار در سال ۱۸۸۰ به کار رفت. در حقیقت این واژه توسط یک جغرافی‌دان فرانسوی به نام اونسیم رکلو ۱۹۱۶-۱۸۳۷ به منظور طراحی مکان های جغرافیایی که در آنها زبان فرانسه گویش می‌شود ابداع شد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تکنولوژی‌های سنّتی و مدرن شکنجه که مخالف با حقوق اساسی بشر مورد تاکید و تایید ادیان آسمانی و پیمان‌های بین‌المللی می‌رود. هدف آن‌ها از این کار محقّق ساختن اهدافی در آن زمینه‌ها و عرصه‌ها است که بین مقهورسازی، فشار، اصلاح، به حاشیه راندن و تبعید کردن در نوسان است. گاهی افراد دیگری غیر از گروه هدف هم مورد تجاوز و ستم قرار می‌گیرند».[۱] قانون عراقی مقابله با تروریسم مصوّب سال ۲۰۰۵، تروریسم را این‌گونه تعریف کرده است: «هر اقدام مجرمانه توسّط یک فرد یا گروه سازمان‌یافته که در آن فرد یا مجموعه‌ای از افراد یا گروه‌ها یا نهادهای رسمی یا غیر رسمی را با هدف‌های تروریستی مانند: اختلال در وضعیت امنیتی یا ثبات یا وحدت ملّی یا وارد کردن رعب و وحشت بین مردم و یا ایجاد هرج و مرج مورد هدف خود قرار داده و باعث وارد آمدن زیان‌هایی به دارایی‌های عمومی یا خصوصی شود».[۲] «الکس اشمید در اثر خود به نام راهنمای تحقیق درباره مفاهیم، نظریه‌ها، اطلاعات پایه و تألیفات در باب تروریسم بیش از صد تعریف از تروریسم گردآوری کرده است. در مجموع به عناصری مشترک در تعاریف رسیده است که عبارتند از: «خشونت، جنبه سیاسی پدیده، وحشت و ترس».[۳] عمومی‌ترین ویژگی تروریسم، خشونت یا تهدید به خشونت می‌باشد»[۴] «هر اقدام تروریستی نوعی اقدام خشونت‌آمیز نیز می‌باشد، اما هر عمل خشونت‌آمیز، اقدامی تروریستی نیست. اقدام خشونت‌آمیز دو وجهی است: قاتل و مقتول یا ضارب و مجروح، درحالی‌که اقدام تروریستی یک وجه آن انجام «خشونت و تهدید»، وجه دوم آن «انتقال پیام خشونت» و وجه سوم آن «احساس وحشت جدی» می‌باشد. از نظر اشمید بین هدف «خشونت و هدف ترور و بین قربانی و حریف تفاوت وجود دارد؛ در یک قتل تروریستی قربانی به راحتی می‌تواند تغییر کند، زیرا هدف غایی تأثیر بر افکار عمومی است».[۵]

گفتار چهارم: گروه‌های تکفیری در منظر اسناد بین المللی (کنوانسیون‌ها و قواعد و مقررات)

در طول تاریخ وصف خشونت جنگ با ماهیت جنگ ملازمه و ارتباط مستقیمی داشته است. در جنگ، طرف پیروز میدان، تمامی آنچه که از دشمن شکست خورده به جا مانده، در مالکیت خود قرار می داد. نحوه برخورد طرف پیروز جنگ غالباً بسته به نوع اراده وی متغیر بود. به عبارت دیگر او می‌توانست کلیه

۱. کمال نیص، ظاهرة الإرهاب- المفهوم- الأسباب- الدوافع، ص ۷.

۲. قانون مقابله با تروریسم، شماره ۱۳، مصوّب ۲۰۰۵.

۳. اردبیلی؛ محمد علی: ۱۳۸۰، مفهوم تروریسم« تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها، همایش پنجم و ششم، انتشارات جنگل، چاپ اول. ، ص ۱۱

۴. ره بیک؛ سیامک:۱۳۹۰: «تحلیل تروریسم در نسبیت مفهومی امنیت و منافع ملی»، «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجموعه مقالات، انتشارات جنگل، چاپ اول. ص ۲۲۱.

۵. عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۶، فهم تروریسم، مجله امنیت، بهار، شماره ۳ص ۳۹- ۴۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

غنایم (کودکان و زنان نیز شامل غنایم می شدند) را رها کند یا بکشد یا در مالکیت خود قرار دهد و در بازار برده فروشان، خرید و فروش نماید. به عبارت دیگر در ابتدا هیچگونه محدودیتی برای طرف پیروز جنگ در خصوص نحوه رفتار با اموال، افراد اسیر بویژه زنان، کودکان و سالخوردگان وجود نداشت. شاید بتوان گفت نبرد «سولفورینو»[1]که در شمال ایتالیا که در سال ۱۸۵۹ در جریان بود؛ به عنوان نقطه عطف اولیه الزام طرفین جنگ به رعایت حقوق جنگ نامگذاری نمود.

۲۴ ژوئن ۱۸۵۹، جنگی میان ارتش های اتریش، فرانسه و ساردینا آغاز شد که به دلیل فقدان امکانات مناسب امدادی و پزشکی، بیش از چهل هزار مرده یا در حال مرگ، در صحنه نبرد، به حال خود رها شده بودند. «هانری دونانت»[2]یک تاجر اهل ژنو که شاهد قتل عام و نبود امکانات مناسب جهت یاری رساندن به مجروحین بود، پس از بازگشت خود به ژنو در سال ۱۸۶۲، کتابی را به نام خاطرات «سولفورینو»[3]به چاپ رساند (این کتاب به عنوان یکی از اسناد سازمان صلیب سرخ جهانی؛ بارها به چاپ رسیده است).[4] روایت دقیق و همراه با عطوفت دونانت وی را به سمت طرح دو پیشنهاد اصلی و مهم سوق داد. او در ابتدا از دولت ها برای ایجاد پاره ای اصول بین المللی در قالب تصویب کنوانسیون غیر قابل نقض دعوت به عمل آورد و در گام بعدی، او پیشنهاد ایجاد یک انجمن ملی جهت تهیه و آماده سازی لوازم و پرسنل مورد نیاز در زمان جنگ جهت کمک به زخمیان و بیماران را ارائه داد. کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو در مورد «بهبود شرایط زخمی شدگان نیروهای نظامی در صحنه نبرد»[5]که در همان کنفرانس تصویب شد.

با شروع یافتن جنگ جهانی دوم و قتل عام هزاران نفر و نقض حقوق اساسی انسان ها از جمله اسیران جنگی دولت‌ها را به سمت پیش بینی مقرراتی برای حفظ حقوق انسان‌ها پیش برد و در سال ۱۹۴۹ با تصویب چهار کنوانسیون ژنو، راه را برای رعایت هرچه بیشتر حقوق افراد اعم از نظامی و غیرنظامی در فاصله جنگ و پس از آن هموار ساخت. کنوانسیون های ژنو متمرکز بر حمایت نظامیان زخمی، بیمار و اسیران جنگی و غیرنظامیان است.

آنچه که ذکر شد تنها بخشی از تلاش‌های دولت‌ها و کشورها در حفظ حقوق طرفین جنگ می‌باشد. در این بخش تلاش بر آن است تا اقدامات گروه های تکفیری در مناطق و سرزمین های تحت سلطه را با تکیه بر مقررات و اسناد بین الملل عملکرد و مورد بررسی قرار دهیم. لذا این فصل را با نام «اقدامات گروه های تکفیری در منظر اسناد بین المللی و مسئولیت‌های مترتب بر آن» نام نهادم تا با تقسیم آن در دو بخش جهت رسیدن به پاسخ فرضیات مطروحه رساله خویش؛ به صورت موشکافانه ای این فصل را پی گیرم. بخش اول از فصل دوم به بررسی اقدامات گروه های تکفیری در منظر اسناد بین المللی اختصاص دارد در این بخش

---

1. Solferino
2. HJ dunant
3. A memory of solferino (Geneva; International committee of red cross;1986)
4. International committee of red cross
5. The Geneva convention for Amelioration of the condition the Wounded in Armies in the Field (adopted 22 Agust 1864; entered into force 22 june 1865)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با تکیه بر کنوانسیون ها و توافقات بین المللی، عملکرد گروه های تکفیری از دریچه اسناد بین المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم از این فصل، مسئولیت های بین المللی مترتب بر عملکرد تکفیریان و کشورهای حامی آنان مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

توصیف ماهیت حقوقی گروه‌هایی تکفیری تا حدی پیچیده است. گروه های تکفیری در مناطق تحت سلطه خود با انگیزه ایجاد هراس در بین مردم منطقه جهت شکستن جبهه های مقاومت و مغلوب کردن دشمن اقداماتی را تحت عنوان اجرای مجازات های اسلامی، از بین بردن نمادهای کفر، شرک و. . . دست به ارتکاب اعمالی زده اند که می‌تواند از مصادیق جنایات علیه بشریت باشد.

جنایات علیه بشریت یکی از شنیع ترین جرایم بین المللی است که با به وجود آمدن مباحث جدیدی چون حقوق کیفری، تاسیس دادگاه های کیفری بین المللی و الحاق تعداد زیادی از کشورها به اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی مطرح شده است. اهمیت بحث جنایات علیه بشریت این است که به عنوان جرایم مقدماتی و زمینه ساز جرایم علیه صلح و یا جنایات جنگی محسوب می شوند.

اصل حقوق بشر دوستانه قدمت ۷۰۰۰ ساله دارد. این مقررات در طول ایام گسترش یافته و نقض برخی از آن‌ها جنایات علیه بشریت محسوب می‌شود این جنایات در ابتدا بخشی از جنایات جنگی راتشکیل می‌دادند اما بعد از گذشت سال ها به وسیله معاهدات بین دولت ها، عرف بین المللی، اصول کلی حقوقی و نوشته های علمای حقوق مشخص تر شدند.

با پایان قرن ۱۹ میلادی جرایم علیه بشریت به معاهدات بین المللی راه یافت. در قوانین لاهه ۱۹۰۷- ۱۸۹۹ که راجع به قوانین و عرف جنگ های زمینی است؛ از اصطلاح قوانین بشری استفاده شده است قبل از منشورنورنبرگ این اولین استفاده از اصطلاح جرایم علیه بشریت است. مقررات کنوانسیون لاهه این نکته را تاکید می‌کند که حق طرف های جنگ در انتخاب ابزار و شیوه های جنگ نامحدود نیست.

در مورد جنایات علیه بشریت این نکته حایز اهمیت است که این جنایات علیه انسانیت بوده و برخی اصول کلی را نقض می‌کند و موجب نگرانی جامعه بین المللی می‌شود این جرایم دارای موارد بی شماری است که در منشورها و اساس نامه های مختلف از آن نام برده است.

اولین استفاده تخصصی از اصطلاح جنایات علیه بشریت در منشور نورنبرگ بود بند ۳ ماده ۶ این منشور که شامل مواردی از جمله قتل عمدی؛ ریشه کن کردن، به بردگی گرفتن، تبعید، یا هر عمل غیر انسانی دیگر که علیه مردم غیر نظامی قبل از جنگ یا در حین جنگ ارتکاب یافته باشد و یا تعقیب و آزار افراد به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در اجرا یا در ارتباط با یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه می باشد. در سال ۱۹۴۵ در قانون شماره ۱۰ شورای کنترل یک سری موارد را به جنایات علیه بشریت اضافه کرد.

جنایات علیه بشریت در ۳ سطح مطرح می‌شود:

۱- **سطح داخلی**: برخی آن را با توجه به اهمیتشان در قانون داخلی وارد کرده اند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲- منطقه ای: بر اساس کنوانسیون‌های ارتقای حقوق بشر میان قاره ای یا منطقه ای منعقد گردیده مثل کنوانسیون های اروپایی، آمریکایی، افریقایی حقوق بشر.

۳- در سطح بین المللی: که محور بحث ما می‌باشد.

این جنایات امروزه ریشه عرفی دارد و در زمره قواعد آمره است و جز تعهدات الزام آور دولت ها نسبت به یکدیگر شمرده می‌شود. ویژگی های جنایات علیه بشریت را می‌توان در اسناد دادگاه‌های کیفری بین المللی یا کیفری موقت (یوگسلاوی و رواندا) دادگاه بین المللی کیفری دایمی(**icc**) به تفصیل پیدا کرد.

مبحث دوم: وضعیت حقوقی تکفیریان در عرصه بین الملل

گفتار اول: مخاصمات بین المللی و غیر بین المللی

مادۀ ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو[1]مقرر می‌دارد: «علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود، کنوانسیون حاضر در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلام شده باشد و یا هر نوع مخاصمه مسلحانه‌ای که بین دو یا چند دولت معظم متعاهد بروز نماید اجرا خواهد شد ولو اینکه یکی از دول مزبور وجود چنین مخاصمه‌ای را تصدیق ننمایند. این کنوانسیون در هر مورد که تمام و یا قسمتی از خاک یکی از دول معظم متعاهد اشغال نشود نیز مجری است حتی اگر این اشغال با هیچ گونه مقاومت نظامی مواجهه نگردد». ماده فوق بیانگر نکاتی است از جمله این که اولاً مخاصمات مسلحانه بین المللی مخاصماتی هستند که میان دول متعاهد روی می‌دهند و این وضعیت زمانی است که یک و یا چندین دولت در مقابل دولت دیگر به نیروی مسلح متوسل می‌شوند. ثانیاً شدت و میزان و هم چنین مدت زمان چنین مخاصماتی متفاوت و متغیر است. ثالثاً عدم اعلام حالت جنگی و یا عدم شناسایی آن از سوی طرفین مخاصمه، ملاک و ضابطه‌ای برای تشخیص مخاصمات مسلحانه بین المللی نیست. بنابراین می‌توان گفت که هر اختلافی که بین دولت‌ها بوجود آمد و موجب درگیری و در نتیجه بکارگیری نیروی مسلح میان آنها شود یک مخاصمه مسلحانه بین المللی و به معنای ماده ۲ مشترک کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می‌باشد. در حال حاضر، درگیری مسلحانه بین دولت به ندرت اتفاق می‌افتد و بیشتر درگیری‌ها از نوع مخاصمات مسلحانه غیر بین مللی است که در قلمرو داخلی دولت‌ها روی می‌دهند. مادۀ ۳ مشترک کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و مکمل آن پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ در مورد مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی هستند.[2]تعریف مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی مطابق ماده ۳ کنوانسیون مذکور بدین صورت است که چنین مخاصماتی ویژگی بین المللی ندارند و در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی، گروه‌های مسلح غیر بین المللی مطابق با ماده ۱ پروتکل الحاقی شماره ۲ همراه با تحقق شرایطی است و

1. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949.

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گروه‌های مسلح مخالف بایستی این شرایط را دارا باشند. شرایط مذکور عبارتند از برخورداری از نیروهای مسلح سازمان یافته و دارا بودن یک فرمانده مسئول و نیز کنترل بخشی از قلمرو کشور تا مجموع این‌ها موجب عملیات نظامی مداوم و مجتمع و نیز اجرای پروتکل حاضر گردد. در یک ارزیابی نهایی می‌توان گفت که مخاصمه مسلحانه بین المللی مخاصماتی هستند که میان دولت‌ها با توسل به نیروهای مسلح روی می‌دهند اما مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی مخاصماتی هستند که در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی و گروه‌های مسلح مخالف و یا بین خود این گروه ها در یک مدت زمان متعارف روی می‌دهد.

گفتار دوم: شورش

واژه شورشی زمانی به یک گروه اطلاق می‌شود که مورد شناسایی قرار بگیرد. به عبارت دیگر برخی نویسندگان از اصطلاح «آشوبگر»[۳]برای معرفی گروه مبارزی استفاده می‌کنند که حتی اگر تمام شرایط پروتکل دوم را دارا باشد بطور صریح یا ضمنی از سوی دولت مرکزی مورد شناسایی قرار نگرفته باشد و به محض مورد شناسایی قرار گرفتن وضعیت آن ها تبدیل به شورشی می‌شود که حق مطالبه حقوق خود را طبق پروتکل دوم خواهد داشت که از این زمان به آن «**belligeren**» گفته می‌شود.[۴] نکته ای که باید در تعریف شورشیان مورد توجه قرار گیرد بررسی نسبت آنها با تروریسم است. شورشیان عمدتاً برای نیل به اهداف خود دست به اعمال تروریستی می زنند اما لزماً تمام اقدامات مسلحانه شورشیان در طول مبارزه تروریستی نیست. به علاوه بسیاری از اقدامات تروریستی از سوی خود دولت مرکزی علیه غیر نظامیان صورت می گیرد «غیر نظامیان کسانی هستند که شرکت فعال در مخاصمه ندارند و شامل کسانی می شوند که سلاح خود را بر زمین گذارده اند یا به علت زخمی شدن یا بیماری یا بازداشت یا به دلایل دیگر قادر به ادامه مبارزه نیستند». [۵]شورشیان در مخاصمات مسلحانه می بایست الزامات حقوقی را رعایت نمایند. البته نظر به این که معمولاً دولت مرکزی از حیث امکانات دارای قدرت برتری نسبت به شورشیان است لذا شورشیان جهت جلوگیری از شکست و ارعاب و تضعیف روحیه نظامیان دولت مرکزی امکان دارد دست به اقداماتی بزنند که آنان را از حالت شورشی خارج و به حالت تروریسم تبدیل نماید.

«تکفیریان در سوریه تلاش‌های فراوانی را برای ایجاد ائتلاف‌های فراگیر و تشکیل کنفرانس‌هایی به منظور شناسایی بین المللی و تجویز اقداماتشان در و سایر مناطق تحت سلطه به عمل می آورند». نتیجه یکی از این تلاش ها در سوریه سبب تشکیل شورای ملی سوریه در استانبول ترکیه، در سال ۲۰۱۱ گردید. این شورا هدف خود در منشور وفاق ملی سوریه، متحد کردن دیگر گروه‌های اپوزیسیون و طرفداران انقلاب

---

1. insurgents

۲. **ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۳)** مسوولیت دولت های حامی جریان تکفیری از منظر حقوق بین الملل، جزوه درسی، دانشکده حقوق، تارنمای دانشگاه قم ص۹۶

۳. همان، ص۹۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مسالمت‌آمیز، بیان نگرانی‌ها و خواست‌های مردم سوریه، رعایت حقوق بشر، استقلال دستگاه قضایی، آزادی مطبوعات، دموکراسی و تکثرگرایی بیان کرده‌است. «یاسر تبارا، سخنگوی شورای ملی سوریه، اعضای فعال گروه را ۱۱۵ تا ۱۲۰ نفر از تمامی گروه‌های گوناگون مخالف رژیم سوریه اعلام کرده‌است که به دلایل امنیتی فقط نام ۷۱ نفر از اعضای شورای ملی به طور کامل معلوم شده‌است.[۱] ئبسمه قضمانی، برهان غلیون و حاتم المالح در نخستین نشت کنگره شورای ملی سوریه در تونس، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ ترکیب شورای ملی سوریه را گروه‌های مختلفی نظیر اعضای تبعید شده گروه اخوان‌المسلمین، اعلامیه دمشق برای تغییرات دموکراتیک، کمیته هماهنگ محلی، کمسیون انقلاب سوریه، احزاب کرد، رهبران طوایف و قبایل و نیروهای مستقل شکل داده‌است. برهان غلیون از اصلی‌ترین اعضای شورا است و در سپتامبر ۲۰۱۱ به عنوان رئیس شورای ملی مخالفان سوریه برگزیده شد. در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی، اعضای شورای ملی سوریه در نشستی در ترکیه، عبدالباسط سیدا از فعالین سیاسی کُردتبار سوریه را به عنوان رهبر جدید خود انتخاب کردند. شورای ملی سوریه توسط ۱۲ عضو سازمان ملل متحد که ۲ عضو از این تعداد از کشورهای دائم عضو شورای امنیت (ایالات متحده آمریکا و فرانسه)، ۲ «سازمان بین‌المللی (اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب) و شورای ملی انتقالی لیبی مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفته‌است. بلژیک، کانادا، آلمان، ایتالیا، هلند و ترکیه هنوز به صورت رسمی شورای ملی سوریه را به رسمیت نشناخته‌اند». [۲] در ۱ آوریل ۲۰۱۲ کشورهای شرکت‌کننده در دومین نشت دوستان مردم سوریه «بیش از ۸۰ کشور جهان) این شورا را به عنوان نماینده قانونی مردم سوریه به رسمیت شناختند».

همانگونه که گفته شد اقدامات شورشیان در راستای نیل به اهداف خود و سرنگون ساختن دولت مرکزی، می‌تواند سبب اقدامات تروریستی و مغایر حقوق بشر شود. « جنایت گروه های تکفیری تا آنجا ادامه داشت که به ناچار سکوت جامعه بین المللی شکسته شد و شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۶۹ مورخ ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴ (۸ مرداد ۱۳۹۳) تکفیریان حاظر در سوریه و عراق را به عنوان گروه تروریستی شناخت».[۳]

گفتار سوم: تروریسم مذهبی

«تروریسم مذهبی یا تروریسم جدید» پس از حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۰ وارد ادبیات حقوق بین الملل گردید. تروریسم مذهبی که تمام ویژگی های تروریستی دارد صرفاً به دلیل انگیزه های مذهبی علیه سایر پیروان همان دین یا دین‌های دیگر استفاده می‌شود. «تروریسم انتحاری»[۴] که یکی از شاخه های اصلی

---

۱. همان پیشین.

۲. صالحی‌نیا؛ سعید:۲۰۱۲، خطر پیشبرد سناریوهای دولت‌سازی و وظایف چپ، انتشارات راستین، تهران، چاپ اول، ص ۲۱۰.

3. United Nations: Security Council/ Resolution 2169/ 30 July 2014)Adopted by the Security Council at its 7230th meeting, on 30 July 2014) S/RES/2169.

4. Suicide Terrorism

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تروریسم جدید است، با رشد فزاینده ای در سالهای اخیر مواجه بوده است و هر چند به لحاظ تعداد عملیات انتحاری، تنها ۳ درصد اقدامات تروریستی بین سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ را شامل شده است ولی ۴۸ درصد کشتار را به خود اختصاص داده است. ظهور تکفیری‌ها به عنوان تروریست مذهبی در منطقه خاورمیانه و برخی کشورهای قاره آسیا علل و عوامل مختلفی دارد: «فقر اقتصادی، فقر فرهنگی»،[۱] «حکومت‌های دیکتاتوری، بی‌عدالتی، نقض فاحش حقوق بشر، وجود ساختارهای قبیله‌ای و عشیره‌ای»،[۲] «رقابت‌های فرقه‌ای‌ومذهبی»[۳]و «دخالت بیگانگان»[۴]از جمله آنهاست که از حوزه بحث حقوقی ما خارج است. اما از بعد حقوقی، ظهور این شکل از تروریسم در حال حاضر موجب ترویج نوعی افراطی‌گری خشن توسط گروه‌های متفاوت تکفیری شده است؛ «گروه‌هایی که سازمان ملل متحد و دیگر کشورها آنها را تروریستی معرفی می‌کنند. اعمال غیرانسانی و خشونت‌آمیز تکفیری‌ها در لبنان، مصر، نیجریه (بوکوحرام)، سوریه (سلفی‌ها)، رفتارهایی مانند قتل عام مسلمانان و به‌ویژه شیعیان (غیرنظامیان)، بریدن سر انسان‌های بی‌گناه و تبدیل سر آنها به توپ فوتبال، شکنجه، آزار و اذیت، گروگان‌گیری، خوردن گوشت قربانیان، تجاوز گسترده به زن‌ها، نابود کردن آثار مذهبی، فرهنگی و تاریخی، صدور فتواهای عجیب از سوی مفتی‌ها و رهبرانشان، و به طور کلی عدم رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه موجب تروریست خوانده شدن از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی شده است. می‌توان سابقه تاریخی شکل گیری تروریسم مذهبی تکفیریان را به عبدالله عزام دانست. عبدالله عزام از اولین اشخاصی است که برای شرکت در جهاد علیه شوروی برای اشاعه افکار خود به افغانستان رفت. وی تنها راه موفقیت در استقرار جامعه اسلامی را جهاد علیه دشمنان اسلام می‌دانست، او به یکی از رهبران برجسته جهاد تبدیل شد و در بیست و چهارم نوامبر ۱۹۸۹ م. به همراه پسرش و در راه رفتن به نماز جمعه در پیشاور پاکستان ترور شد».[۵]

«اسامه بن لادن یک اشرف‌زاده شهرت‌طلب و دارای نفوذ فراوان در بین سرمایه‌داران و جوانان عرب و حتی ناراضیان خانواده سلطنتی آل‌سعود بود. فعالیت‌های نظامی و آموزشی اسامه هم برای آمریکا و هم برای عربستان سعودی به عنوان زنگ خطری جدی تلقی گردید، به سبب ممنوع الخروج قرارگرفتن فرزندانش از عربستان، نسبت به آمریکا و شاه‌فهد شدیداً ناراحت شده بود».[۶]حمله به نیروهای آمریکایی در

---

۱. شریفی، محسن: ۱۳۸۵، « فقر: تهدید امنیت بین‌المللی در قرن ۲۱»، فصل نامه راهبرد، ش ۳۹

۲. برای نمونه، طالبان و القاعده بیش از آنکه در قالب یک گروه متمرکز قابل تعریف باشد، در قالب یک شبکه مطرح هستند، شبکه‌ای که نه تنها در افغانستان و پاکستان، بلکه در عراق، سودان، سومالی، و برخی از شیوخ خلیج فارس نفوذ و اقتدار دارد و برخورد با این شبکه نیازمند نفوذ در این شبکه و انحلال آن از درون است.

۳. برای مثال، با تشکیل دو مکتب و فرقه مذهبی به نام‌های« دیوبندی» و« لوی» در پاکستان رقابت‌های فرقه‌ای آغاز شده بود و با تنگ‌تر کردن عرصه بر اقلیت شیعه، جامعه پاکستان به سوی اختلافات مذهبی و فرقه‌ای سوق داده شد که پیامد آن تشکیل سپاه صحابه بود که حملات تروریستی بسیاری را علیه شیعیان به انجام رساند.

۴. همان پیشین.

۵. همان، ص ۱۱۶– ۱۱۷.

۶. عبدالقیوم فدوی، اسامه بن لادن و ماجراها، ص ۴۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ظهران را یک جنگ مقدس و جهاد خواند و تأکید داشت سربازان آمریکایی باید خاک عربستان سعودی را ترک کنند. چون آن‌ها مسلمان نیستند و تا وقتی که آمریکا نیروهای نظامی‌اش را از خاک عربستان سعودی بیرون نکند، وی در خارج از آمریکا، هر نوع ساختمان و سفارت‌های آمریکایی را تخریب خواهد کرد. معتقد بود که طبق دستور آمریکا چهارفرزندش در عربستان سعودی تحت‌نظر قرار گرفته‌اند، در این صورت چه‌طور ممکن است در برابر فهد و آمریکا خاموش باشد؟[1]دو اعلامیه از بن‌لادن صادر شد که در آن‌ها سعی می‌کند سیاست خشونت را مقدس نشان دهد. اولین اعلامیه در ۲۶ آگوست ۱۹۹۶ م. و تحت عنوان «اعلامیه جهادی علیه آمریکا که دو سرزمین و مکان مقدس را اشغال کرده است» و رژیم عربستان هم، شریعت اسلامی را، کنار گذاشته و به نیروهای خارجی اجازه داده تا کشور را اشغال کنند.[2]اعلامیه دوم در ۲۳ فوریه ۱۹۹۸م. و تحت عنوان «جبهه جهانی اسلامی برای جهاد علیه یهودیان و نصرانیان است» برآن است که سالیان متمادی ایالات متحده مقدس‌ترین سرزمین‌های اسلام یعنی شبه‌جزیره عربستان را اشغال کرده است و ثروت این سرزمین را به یغما برده است، حاکمانش را کنترل و مردمانش را تحقیر می‌کند؛ هم‌چنین به‌دنبال تحریم اعمال شده آمریکا بر عراق، بالغ بر یک میلیون نفر کشته شده‌اند و هدف اصلی آمریکا حمایت از دولت یهودی و منحرف‌کردن افکارعمومی، از فلسطین و قتل‌عام مسلمانان آن‌جاست. بنابراین تنها پاسخ مناسبی که مسلمانان می‌توانند به این خیانت بدهند، جهاد است».[3]

«ایمن ظواهری تا زمان حیات بن‌لادن نفر دوم سازمان القاعده به حساب می‌آمد و پس از اسامه بن لادن، وی نقش اول در سازمان القاعده را بازی می‌کند. او در سال ۱۹۹۳ م. به ریاست الجهاد رسید و با آشنایی با بن‌لادن بنیان‌گذار سازمان القاعده در سال ۱۹۹۸ م. الجهاد را با القاعده ادغام کرد، رادیکالیسم قوت مضاعف، یافت و هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند».[4]ظواهری معتقد است که باید جهاد را به سطح جهانی کشیده و در جبهه‌های مختلف و به ویژه علیه ایالات متحده و متحدانش، یعنی اسرائیل و رژیم‌های سکولار خاورمیانه درگیر شد.[5]ایالات متحده از القاعده در مقابل حمله نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان برای تضعیف کمونیست با ارسال موشک‌های ضدهوایی استینگر به بن‌لادن و کمک‌های مالی از طریق بانک بین‌المللی سرمایه در افغانستان حمایت کرد و از طرفی کمک به القاعده برای محدود سازی ایران و ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود که با یاری‌رساندن به جنبش‌های رادیکالیسم ضد شیعی مانند القاعده این کار را انجام داد. هدف دیگر واشنگتن از حمایت القاعده، دورکردن کانون بحران خاورمیانه از منطقه

---

۱. همان، ص ۵۰.

۲. مهدی بخشی شیخ احمد، « بررسی و عوامل اندیشه‌ای و عینی شکل‌گیری القاعده»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۲۱– ۱۲۲.

۴. منصور میراحمدی، « مقایسه ویژگی‌های معرفت شناختی جریان‌های فکری سیاسی معاصر در جهان اسلام»، فصل‌نامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۸۰– ۱۸۱.

۵. همان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فلسطین و معرفی افغانستان به عنوان کانون جدید توجه بود.[۱] بسیاری از گروه‌های تکفیری که بر مبنای این اندیشه شکل گرفته‌اند، به دلیل اقدامات خشونت‌بار و غیرانسانی به عنوان گروه‌های تروریستی شناخته می‌شوند. در این میان وزارت امور خارجه آمریکا لیستی از گروه‌های تروریستی در مناطق مختلف جهان منتشر کرده که بسیاری از آن‌ها به‌وسیله شورای امنیت سازمان ملل و نهاد اروپایی حقوق بشر نیز در لیست گروه‌های تروریستی آمده‌اند. لیست اعلام شده به شرح زیر می‌باشند:سازمان ابونیدال (آنو)، گروه ابوصیاف (ای اس جی)، تیپ شهدای الاقصا (ای ای ام بی)، القاعده (ای کیو)، القاعده در شبه جزیره عربی (ای کیو ای پی)، القاعده در ایران (ای کیو آی)، القاعده در مغرب اسلامی (ای کیو آی ام)، الشباب (ای اس)، انصار الاسلام، اسباط الانصار، ام شینری‌کیو (ام)، سرزمین پدری و آزادی باسک (ای تی ای)، حزب کمونیست فیلیپین، ارتش نوین خلق (سی پی پی/ ان پی ای)، جماعۀ الاسلامیۀ (آی جی)، حماس، حرکۀ الجهاد الاسلامی (اچ یو جی آی)، حرکۀ الجهادی الاسلامی بنگلادش (اچ یو جی آی- ب)، حرکۀ المجاهدین (اچ یو ام)، حزب الله، اتحاد جهاد اسلامی (آی جی یو)، جنبش اسلامی ازبکستان (آی ام یو)، جیش المحمد (جی ای ام)، جماعۀ اسلامیۀ (جی آی)، جندالله، کاهانه چای، کتایب حزب الله (کی اچ)، حزب کارگران کردستان (پ ک ک)، لشکر الطیبه (ال تی)، لشکر جهنگوی (ال جی)، گروه مبارزه اسلامی لیبی (ال آی اف جی)، گروه مبارزان اسلامی مراکش (جی آی سی ام)، جهاد اسلامی فلسطین- حزب شقاقی (پیآیجی)، جبهه خلق برای آزادی فلسطین (پی اف ال پی)، جبهه خلق برای آزادی فلسطین- فرماندهی عمومی (پی اف ال پی- جی سی)، راه درخشان (اس ال) و تحریک طالبان پاکستان (ت ت پ).[۲]

مبحث سوم: مسئولیت حقوقی و کیفری تکفیریان و دولت های حامی

گفتار اول: مسئولیت حقوقی و کیفری تکفیریان

همانگونه که گفته شد شورشیان در مخاصمات خود علیه دولت مرکزی نبایستی از مقررات حقوق جنگ، حقوق غیرنظامیان و در حالت عام، اصول و مقررات بشردوستانه خارج گردند. ماده ۱۰ طرح مسئولیت که به اقدامات متخلفانه شورشیان می پردازد صریحاً اعلام می کند که عبارت پردازی های کمیسیون به معنای رفع مسئولیت از شورشیان به عنوان بازیگران غیردولتی نیست. اما کمیسیون با توجه به عنوان و چارچوب طرح خویش به نظام مسئولیت بین المللی شورشیان یا بازیگران غیردولتی به طور کلی اشاره ای بیش از این نمی کند. برای تحمیل مسئولیت به شورشیان می بایست اعمال ارتکابی قابلیت انتساب به شورشیان را داشته باشد و دولت مرکزی در حالتی قرار گیرد که نتوان عمل ارتکابی یا ناقض حقوق بشر را به وی منتسب

---

[۱]. حمید رضا اسماعیلی، القاعده از پندار تا پدیدار، ص ۵۸- ۵۹.

[۲] کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۷جلد، دار الإعلام لمدرسۀ اهل البیت (علیهم السلام) - قم - ایران، چاپ: ۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نمود. طبق ماده ۲ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها «فعل متخلفانه بین المللی دولت هنگامی محقق می‌شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل به موجب حقوق بین الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و به عنوان نقض تعهد بین المللی آن دولت تلقی شود. به عبارت دیگر چنانچه نتوانیم عمل را منتسب به دولت کنیم در این موقع فروض مختلفی جهت انتساب یا عدم انتساب مسئولیت به شورشیان قابل طرح است. در این ارتباط، معیارهای مختلفی برای انتساب عمل بازیگر غیردولتی به دولت مطرح شده اند، مانند دکترین کنترل مؤثر در آرای دیوان بین المللی دادگستری در قضایای نیکاراگوئه، نسل کشی کنگو علیه اوگاندا، دکترین کنترل کلی در دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ[1] دکترین حمایت و پناه دادن به تروریست ها در قطعنامه های (۲۰۰۱) ۱۳۶۸ و (۲۰۰۶) ۱۷۰۳ شورای امنیت، دکترین ارتباط کافی[2] در سازمان تجارت جهانی و سایر موارد مذکور در مواد ۴ تا ۱۱ طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین الملل برای مسئولیت بین المللی دولت ها. بر اساس مقررات بین المللی شورشیان مکلف به حفظ و رعایت حقوق بشر می باشند که می‌توان به مقررات بند ۵ ماده مشترک میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی[3] و همچنین برخی اسناد حقوق بشری، مانند کنوانسیون سرکوب و مجازات تبعیض نژادی مصوب۱۹۷۳، کنوانسیون مبارزه با نسل کشی مصوب ۱۹۴۸ و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به مسئولیت کیفری افراد اشاره کرد. شورای امنیت نیز در قطعنامه های مربوط به افغانستان، گینه بیسائو و لیبریا به لزوم احترام طرفین مخاصمه، از جمله گروه غیردولتی نظامی به قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اشاره داردکریستین تاموشات با اشاره به قطعنامه های شورای امنیت در مورد یوگسلاوی سابق، افغانستان، سودان، سیرالئون، ساحل عاج، کنگو، آنگولا، لیبریا و سومالی اظهار می دارد: «زمانی که شورای امنیت به التزام طرف های درگیر به رعایت قواعد حقوق بشر اشاره می کند، تعهد جدیدی بر آن ها تحمیل نمی کند. این تعهد، منبعث از حقوق بین الملل بشر است و فارغ از تصمیم شورای امنیت، الزام آور است». قطعنامه۱۲۴۴ تصریح می کند که اصول کنوانسیون های چهارگانه ژنو باید توسط تمام نیروهای دولتی و غیردولتی درگیر در مخاصمات مسلحانه رعایت شود. نکته ای که در این قسمت است فرق میان شورشیان جدایی طلب و شورشیان انقلابی است ماده ۱۰طرح مسئولیت، با تفکیک میان شورشیان انقلابی و شورشیان جدایی طلب، حقوق مسئولیت بین المللی این دو گروه را جدا کرده، در حالی که در بند ۱ ماده ۱۰ مربوط به انقلابیون، به عبارت «جنبش شورشی»[4] بسنده می‌کند در بند ۲ این ماده در کنار این عبارت به واژه «دیگر جنبش ها»[5] نیز اشاره می کند. منظور از جنبش شورشی، گروه های

1. The Prosecutor v. Duško Tadic, Case No.: IT-94-1-T, Trial Chamber II, 14 July 1997.
2. sufficient involvement

۳. بند ۵ ماده این دو میثاق بیان می دارد: هیچ چیز در این میثاق به گونه ای تفسیر نخواهد شد که متضمن حقی برای دولت، گروه یا فرد باشد که طبق آن بتواند اقدامی صورت دهد که حقوق و آزادی های شناخته شده در این میثاق را نادیده بگیرد یا محدودتر از آنچه در این میثاق در نظر گرفته شده تفسیر کند.

4. insurrectional movement
5. other movements

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

غیردولتی سازمان یافته هستند که شرایط مذکور در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون های ژنو را به دست؛ آورده باشند.[۱]یعنی کنترل بر بخشی از سرزمین، سازماندهی، فرماندهی و قابلیت اجرای قواعد پروتکل. از نظر این طرح، چنانچه گروه غیردولتی این شرایط را به طور کامل نداشته باشد پس از تغییر حکومت، مسئولیتی نخواهد داشت؛ در حالی که اگر چنین گروهی موفق به جدایی شود، مسئولیت بین المللی آن مطرح خواهد بود. به عبارت دیگر، این ماده جنبش‌های شورشی هرگاه شورشیان یا انقلابیون در جنگ پیروز گردند و حکومت قانونی را تشکیل دهند (مانند جنگ داخلی اسپانیا ۱۹۳۹-۱۹۳۶ که با پیروزی نیروهای ملی گرای ژنرال فرانکو خاتمه یافت یا در نتیجه اقدامات آنان کشور جدیدی تاسیس گردد مانند تاسیس کشور الجزایر) در نتیجه اقدامات استقلال طلبان حکومت یا کشور جدید مسئول کلیه اعمال ارتکابی خود هستند بند دوم ماده ۱۰طرح مسئولیت دولت ها در مواردی که جدایی طلبان موفق به تشکیل کشور جدید می شوند، دولت جدید را مسئول اقدام جدایی طلبان در طول فرایند جدایی می داند و برای این انتساب از اصل «انتساب فعل شورشیان» به دولت جدید استفاده می‌کند. این بند چنین تقریر شده است: «رفتار یک جنبش، خواه شورشی و خواه غیر آن که موفق به ایجاد دولت جدید در بخشی از قلمرو دولت سابق یا در قلمرو تحت اداره آن می شود به موجب حقوق بین الملل، فعل دولت جدید تلقی می شود» البته به شرطی که خسارات وارده ناشی از عملیات نظامی و جنگی باشد (بند ۱ماده ۱۵ طرح مواد راجع به مسئولیت)دلایل پذیرش مسئولیت کشورها در شکل یاد شده اولا بر پایه اصل دوام کشورهاست که شناسایی مسئولیت خود تضمینی برای این اصل است.

چنانچه شورشیان موفق به تشکیل دولت جدید نشوند مسئولیت شورشیان ناموفق در دو سطح قابل تصور است. در سطح اول، مسئولیتی است که فرماندهان نظامی و غیرنظامی شورشی به جهت اعمال افراد زیر دست خود دارا هستند و در سطح دوم، مسئولیتی است که افراد خصوصی به نوبه خود دارند. باید توجه داشت آنچه تاکنون در خصوص فرماندهان نظامی و غیرنظامی مطرح شده، مسئولیت بین المللی کیفری است. مسئولیت فرماندهان نظامی اولین بار در کد لیبر که برای جنگ های داخلی امریکا در سال ۱۸۶۸ تهیه شده بود گنجانده شد. بند۲ ماده ۸۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون های ژنو مصوب۱۹۷۷ بیان می دارد که نقض قواعد این پروتکل توسط زیردستان، مانع از تعقیب کیفری و انتظامی فرماندهی نمی شود که با اطلاع از چنین اقدامی، تدابیر لازم برای جلوگیری از آن را انجام ندهد. این مقرره بر خلاف ماده ۸۷ که صحبت از فرمانده نظامی می کند، فقط از عبارت فرمانده[۲]استفاده می کند که شامل فرماندهان غیرنظامی مثل رهبران سیاسی نیز می شود. دیوان عالی امریکا با تأیید حکم اعدام یاماشیتا[۳]به علت ارتکاب جرائم جنگی تحت کنترل وی، دکترین یاماشیتا را بنیان گذاشت. طبق این دکترین، صرف اقتدار قانونی فرمانده

۱. این شرایط عبارتند از: تحت کنترل داشتن بخشی از سرزمین، داشتن علامت مشخص، تحت فرماندهی سازمان یافته بودن و قادر بودن به رعایت کنوانسیون

2. superior
3. Yamashita

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نظامی برای مسئول دانستن وی کافی دانسته شد. بند۱ ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به مسئولیت فرماندهان نظامی و غیرنظامی[۱] که به طور مؤثر و نظامی عمل می‌کنند، مانند پلیس و مقامات اجرایی اشاره دارد و بند۲ همین ماده به فرماندهان غیرنظامی که به طور مؤثر، اما غیرنظامی عمل می‌کنند، مانند رهبران سیاسی، می پردازد. این دو مقرره، ارتکاب جرائم جنگی توسط زیردستان را مانع از طرح مسئولیت فرماندهان نمی داند.

ماده ۴ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ مقرر می دارد:«اشخاصی که مرتکب نسل‌کشی و یا اعمال مشروحه در ماده سوم شوند اعم از اینکه اعضای حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند مجازات‌خواهند شد». که با توجه به صراحت ماده مذکور اشخاص مجرم و مرتکب نسل کشی نبایستی الزاماً دولتی باشند بلکه اشخاص عادی نیز می‌توانند مشمول مجازات باشند و برابر ماده ۱ از کنوانسیون مذکور کلیه دولت های عضو متعهد هستند نسبت به پیشگیری از این امر مبادرت ورزند. هرچند طرح مسئولیت کیفری نیاز به احراز شخصیت بین المللی ندارد، اما برای طرح مسئولیت غیرکیفری لازم است که بازیگر مورد تعقیب از شخصیت بین المللی برخوردار باشد. لذا برخی مفهوم «ذهنیت بین المللی»[۲] را مطرح کرده اند[۳] که طبق آن، یک موجودیت در صورتی موضوع حق و تکلیف غیر کیفری قرار می گیرد که از شخصیت حقوقی بین المللی برخوردار باشد شخصیت فعال برای داشتن حق و شخصیت منفعل برای داشتن تکلیف. در هر حال، طرح مسئولیت بازیگران خصوصی، نه تنها از طریق هنجارهای لازم الاجرای حقوق بین الملل، بلکه از طریق مجاری حقوق ملی امکانپذیر است.[۴]

گفتار دوم: مسئولیت حقوقی و کیفری کشورهای حامی

برای تبیین مسئولیت حقوقی و کیفری کشورهای حامی، بدواً می بایست به این سوال پاسخ دهیم که آیا حمایت از گروه های تکفیری از سوی دول غربی و عربی به اندازه ایی است که بتوان این اقدامات را منتسب به این دولت ها دانست؟ در این حالت اقدام تروریست های تکفیری گویی اقدام خود این کشورها است. در صورت انتساب اقدامات این جریان به دولت های حامی مخاصمه مسلحانه، با یک مخاصمه بین المللی مواجه خواهیم بود.

از زمان شروع درگیری ها در سوریه از سال ۲۰۱۱ کشورهای غربی و عربی به حمایت از شورشیان سوریه اقدام کردند که اوج این حمایت در شناسایی ائتلاف مخالفان سوریه از سوی ۱۳۰ کشور بود. با ظهور داعش فصل جدیدی آغاز شد که به احتمال می‌رفت که کشورهای غربی و عربی به دلیل فعالیت

---

۱. این ماده از واژه command برای فرمانده نظامی و از واژه authority برای فرمانده غیرنظامی استفاده می کند

۲. international subjectivity .

2. Nicolas Carrillo Santarelli, op. cit.

3. Steven R. Ratner, "Corporations and Human Rights: a Theory of Legal Responsibility", The Yale Law Journal,

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تروریستی از آنها حمایت نکنند. هرچند ائتلاف بین المللی ضدداعش شکل گرفت اما شواهد بیانگر حمایت برخی کشورها از این جریان تکفیری است.

از نظر جمعیت علمای اسلامی عراق کشورهای عربستان سعودی، تونس، الجزائر، مغرب، مصر و لیبی حامیان داعش محسوب می‌شوند. یکی از معاونان خزانه داری آمریکا نیز نام اشخاصی که از داعش حمایت مالی می‌کنند را منتشر کرده است که عموما از عربستان هستند. اما بهترین مرجع شناخت کشورهای حامی جریان تکفیری کشورهای هدف اقدامات تروریستی این جریان به عنوان کشورهای ذی‌نفع است یعنی عراق، سوریه، ایران و حزب الله لبنان. از نظر آنها دولت هایی چون امریکا، عربستان، قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی حامیان اصلی داعش هستند.

طبق ماده ۲ طرح مسوولیت بین المللی دولت ها «فعل متخلفانه بین‌المللی دولت هنگامی محقق می‌شود که رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل، بموجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و بعنوان نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود.» لذا برای بررسی مسوولیت این دولت‌ها ابتدا موضوع انتساب و سپس تخلفات بین‌المللی آنها بررسی می‌شود.

بند اول: انتساب اقدامات جریان تکفیری به دولت های حامی

در اینجا پرسش این است که آیا حمایت از گروه های تکفیری از سوی دول غربی و عربی به اندازه ای هست که بتوان این اقدامات را منتسب به این دولت ها بدانیم؟ در این حالت اقدام تروریست‌های تفکیری گویی اقدام خود این کشورهاست. در صورت انتساب اقدامات این جریان به دولت های حامی مخاصمه با یک مخاصمه بین‌المللی مواجه خواهیم بود .در مجموع معیارهای مختلفی در حقوق بین الملل برای انتساب عمل بازیگران غیردولتی به دولت معرفی شده است که برخی از آنها عبارتند از کنترل موثر، کنترل عمومی، موارد مذکور در مواد ۴ تا ۱۱ طرح مسوولیت بین المللی دولت ها و معیار حمایت و پناه دادن به تروریست‌ها در قطعنامه های ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) و ۱۳۷۳ (۲۰۰۶) شورای امنیت و پیوند کافی در سازمان تجارت جهانی[۱]

معیار کنترل عمومی برای تعیین وضعیت مخاصمه (بین‌المللی بودن یا نبودن مخاصمه) و همچنین برای انتساب عمل گروه سازمان یافته آن هم در موضوعات کیفری مطرح شده است لذا در این موضوع جایگاهی ندارد. معیار کنترل موثر در پیوند میان ماده ۸ و رای دیوان در قضیه نیکاراگوئه این نتیجه را به دست می دهد که شامل مواردی چون دستور و هدایت و کنترل در «هر اقدام خاص» به نوعی باشد که اگر آنها نبود آن اقدام محقق نمی‌شد. در این حالت آن یک اقدام خاص (و نه همه اعمال) به دولت خارجی منتسب می‌گردد. نگرش سخت‌گیرانه در این معیار مانع از آن می‌شود تا اقدامات داعش به دولت‌های حامی منتسب گردد.

۱. ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۳) همان، ص ۸۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اما معیار دیگری که برای گروه های تروریستی مطرح شده است معیار پناه دادن[1]است. آیا پناه دادن به یک گروه تروریستی موجب انتساب عمل آنها به دولت حامی خواهد شد؟ در این مورد باید توجه داشت که مفاد قطعنامه های ضدتروریستی چنین مضمونی ندارند و فقط به دولت قربانی اجازه اقدام ضروری علیه کشورهای پناه دهنده به تروریست ها را داده است. به عبارت دیگر این معیار تنها در توسعه قلمروی دفاع مشروع نقش داشته است. با این حال حمایت کشورهای غربی و عربی از جریان تکفیری تعهداتی از این کشورها را نقض کرده است.

بند دوم: معاونت در ارتکاب جرایم مغایر بین المللی

در چهارچوب فصل چهار طرح پیش نویس تحت عنوان «مسئولیت یک دولت در ارتباط با عمل دولت دیگر» مادهٔ ۱۶تحت عنوان» (کمک یا معاونت در ارتکاب عمل متخلفانهٔ مقرر بین المللی) می‌دارد: «دولتی که به ارتکاب عمل متخلفانهٔ بین المللی توسط دولتی دیگر کمک یا یاری می رساند اگر با آگاهی از اوضاع و احوال عمل متخلفانهٔ بین المللی چنین کمکی را ارائه کند و عمل متخلفانهٔ بین المللی از سوی کشور مورد کمک ارتکاب یابد، از لحاظ بین المللی برای چنین اقدامی(کمک یا معاونت) مسئول است.[2]

بند سوم: نقض تعهد به مسئولیت های بین المللی

حمایت از جریان تکفیری موجب نقض تعهدات بین المللی زیر شده است:

نقض تعهد به پیشگیری مسئولیت بین المللی به جهت نقض تعهد به تلاش معقول برای جلوگیری از اعمال شورشیان (نقض اصل تعهد به پیشگیری)در قضیه بوسنی علیه صربستان پذیرفته شده. در رابطه با مبارزه با تروریسم اسناد بین الملل مختلفی مانند کنوانسیون بمبگذاری تروریستی مورخ ۱۹۹۷ و کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم مورخ ۱۹۹۹ تعهد به پیشگیری و تضمین وجود دارد.

در این رابطه باید گفت عملکرد برخی دولتها با ابهام مواجه است: ترکیه از یک سو پناهندگان سوری را می‌پذیرد از سوی دیگر با حمله به کوبانی توسط داعش مدارا میکند. در واقع نقض تعهد به پیشگیری می‌تواند به مثابه اقدام دارای مسئولیت‌های حقوقی و کیفری باشد. برخی از مصادیق نقض تعهد در پیشگیری به شرح ذیل ارائه می گردد:

---

1. harboring

۲. ضیایی، یاسر همان پیشین، ص ۸۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

الف: توسل به زور

هرچند حمایت از این تروریست ها مصداق تجاوز و حمله مسلحانه نیست اما دیوان بین المللی دادگستری در بند ۲۰۵ رأی خود در قضیه نیکاراگوئه بخشی از قطعنامه ۲۶۵۲ مجمع عمومی راجع به اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری بین دولت ها را اینگونه تفسیر می‌کند که هرگونه کمک به شورشیان که متضمن استفاده از زور باشد ناقض اصل توسل به زور است.

ب: مداخله در امور داخلی

در قضیه نیکارگوئه هرچند اقدام شورشیان کنترا به امریکا منتسب نشد اما حمایت از آنها مداخله در امور داخلی تلقی شد. دیوان در قضیه نیکاراگوئه «استخدام نیرو، آموزش، سازماندهی، کمک رسانی، تجهیز و حتی تشویق، حمایت، یاری رساندن و هدایت عملیات های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه» را مداخله در امور داخلی دانست. باید توجه داشت از آنجایی که هیچ دولتی جریان تکفیری را به رسمیت نشناخته است هیچ نوع حمایتی از آنها مشروع نخواهد بود[1].

ج: حمایت از تروریسم بین المللی

طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون تامین مالی تروریسم اقدامات این جریان تکفیری تروریسم بین المللی محسوب می‌شود. این ماده چنین مقرر می دارد: کمک مالی به تروریسم طبق این کنوانسیون و پناه دادن به آنها طبق قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ تخلف بین المللی است.[2] هرچند تروریسم یک جرم مشمول صلاحیت جهانی نیست، اما کشورهای متبوع اعضای داعش و کشورهای محل فعالیت آنها متعهدند که مجازات انگاری لازم برای تعقیب آنها را داشته باشند.

این پرسش باقی است که حمایت رسمی و دولتی عربستان از عقاید عبدالوهاب و ابن تیمیه که ریشه های عقیدتی تروریسم است این دولت را تبدیل به یک دولت حامی تروریسم[3] تبدیل می‌کند؟ اعلامیه محو تروریسم بین المللی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۱۹۹۴ تروریسم را صرف نظر از ماهیت مرتکب محکوم کرده است. همین نظر توسط کارگروه ویژه مجمع برای طرح پیش نویس کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا می‌توان گفت در این مورد با پدیده تروریسم دولتی مواجه هستیم هرچند حقوق بین الملل سازوکارهای مناسب برای برخورد با آن را پیش بینی نکرده است و تنها برخی کشورها به طور یکجانبه در قوانین خود به تروریسم دولتی استناد کرده اند.

---

۱. ضیایی یاسر، همان پیشین، ص ۸۹

2. Any other act intended to cause death or serious bodily injury to a civilian, or to any other person not taking an active part in the hostilities in a situation of armed conflict, when the purpose of such act, by its nature or context, is to intimidate a population, or to compel a government or an international organization to do or to abstain from doing any act

3. state-sponsored terrorism

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

د. معاونت در نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی

هرچند این کشورها خود مرتکب جنایت جنگی نشده اند اما تحویل سلاح کشتار جمعی به شورشیان سوریه و کمک نظامی و مالی به داعش می‌تواند مصداق معاونت مذکور در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری باشد.

ه. نقض تعهد به پیشگیری

مسوولیت بین المللی به جهت نقض تعهد به تلاش معقول برای جلوگیری از اعمال شورشیان (نقض اصل تعهد به پیشگیری) در قضیه بوسنی علیه صربستان پذیرفته شد. در رابطه با مبارزه با تروریسم اسناد بین المللی مختلفی مانند کنوانسیون بمبگذاری تروریستی مورخ ۱۹۹۷ و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مورخ ۱۹۹۹ تعهد به پیشگیری و تضمین وجود دارد. در این رابطه باید گفت که عملکرد برخی دولت ها با ابهام مواجه است: ترکیه از یکسو پناهندگان سوری را می پذیرد و از سوی دیگر در حمله به کوبانی توسط داعش مدارا می کند.

و: نقض حق تعیین سرنوشت

در حالی که طبق رای دیوار حایل کشورها ملزم به عدم همکاری با ناقض حق تعیین سرنوشت هستند این کشورها به داعش در نقض حق تعیین سرنوشت سوریه و عراق کمک می‌کنند در حالی که نظام سیاسی عراق و سوریه پشتوانه آرای مردمی را به همراه دارد.

ز: عدم تعهد به پیشگیری از جرم نسل کشی:

در چهارچوب فصل چهار طرح نویس پیش تحت عنوان «مسئولیت یک دولت در ارتباط با عمل دولت دیگر» مادهٔ ۱۶تحت عنوان» (کمک یا معاونت در ارتکاب عمل متخلفانهٔ مقرر بین المللی) می‌دارد: «دولتی که به ارتکاب عمل متخلفانهٔ بین المللی توسط دولتی دیگر کمک یا یاری می‌رساند اگر با آگاهی از اوضاع و احوال عمل متخلفانهٔ بین المللی چنین کمکی را ارائه کند و عمل متخلفانهٔ بین المللی از سوی کشور مورد کمک ارتکاب یابد، از لحاظ بین المللی برای چنین اقدامی(کمک یا معاونت) مسئول است. همچنین طبق برابر ماده ۱ مشترک کنوانسیون های چهارگانهٔ ژنو و ماد ۱ پروتکل الحاقی اول به این کنوانسیون ها نیز دولت‌ها نه تنها خود نباید قواعد حقوق بشردوستانه را نقض کنند، بلکه باید نهایت تلاش خود را به منظور تضمین اینکه قواعد حقوق بشردوستانه توسط همه رعایت می‌شود، به انجام رسانند.[1]

1. Jean - Marie Henckarets and Louise Doswald - Beck. 2005. Customary International Humanitarian Law. London. CambridgeUniversity Press. , 2005: 510

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بر اساس ماده ۱ معاهده پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸:«دولت های متعاهد اذعان می کنند، که نسل کشی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، از جمله جنایات در حقوق بین الملل است و متعهد می گردند از آن پیش گیری کنند و عاملان را مجازات نمایند.» و برابر ماده ماده ۸ از معاهده مذکور «هر یک از متعاهدین می‌توانند از مراجع صلاحیت دار سازمان ملل بخواهد که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات نسل‌کشی یا اعمال‌دیگر مذکور در ماده ۳ اقدامات مقتضی به عمل آورد».

ح: نقض تعهد در ارسال سلاح و تجهیزات جنگی:

ارائهٔ کمک برای نقض حقوق بین الملل بشردوستانه، در عمل، معمولاً به صورت کمک تسلیحاتی صورت می گیرد، تا جایی که استفاده از سلاح های مزبور منع نشده است. کشور ارائه کنندهٔ تسلیحات، مسئول نقض‌های حقوق بشردوستانه‌ای که با استفاده از این تسلیحات توسط کشور دریافت کننده صورت می گیرد، نیست ولی به هر حال، همین که دولت ارائه کنندهٔ تسلیحات بداند که کشور دریافت کننده با استفاده از آن سلاح ها، به طور سیستماتیک مرتکب نقض حقوق بین الملل بشردوستانه می‌شود، باید انتقال و ارائهٔ سلاح را به کشور دریافت کننده متوقف کند؛ حتی اگر آن سلاح ها قابلیت استفادهٔ مشروع و قانونی را نیز داشته باشند. در واقع، همین که کشور ارائه کنندهٔ سلاح از ارتکاب این نقض ها مطلع شود، مطمئناً کمک‌های بعدی به منظور تسهیل ارتکاب نقض‌های بعدی صورت می گیرد. کشوریکه با اطلاع از نقض‌های سیستماتیک حقوق بین الملل بشردوستانه از سوی کشور دیگر، همچنان به کمک خود به آن کشور در خصوص تجهیز تسلیحاتی ادامه می دهد، تعهد به تضمین احترام لازم به قواعد حقوق بینالملل بشردوستانه را نقض میکند. تحویل سلاح کشتار جمعی به شورشان سوریه و کمک مالی ونظامی به داعش میتواند مصداق معاونت مذکور در ماده۳۵ اساسنامه دیوان بین الملل کیفری باشد.

ط: نقض تعهد در همکاری در نقض فاحش:

کشورها می بایست طبق مادهٔ ۴۱ در زمان نقض های جدی، همکاری به منظور خاتمه بخشیدن به نقض‌های مزبور را انجام دهند که این همکاری کشورها باید از راههای قانونی باشد به خاطر تنوع شرایط مادهٔ ۴۱ مشخص نمی سازد این همکاری چه شکلی باید داشته باشد و یا این که کشورها چه اقداماتی را باید در زمان نقض انجام دهند، ولی کمیسیون حقوق بین الملل در نظرات تفسیری خود مقرر می‌دارد، همکاری می تواند در چهارچوب سازمان های بین المللی ذی صلاح مخصوصاً سازمان ملل متحد سازماندهی می‌شود، البته، عبارت پردازی ماده ۴۱ به نحوی است که امکان اقدام به صورت همکاری غیرسازمان یافته را نیز متصور می‌سازد. در حوزهٔ حقوق بشردوستانه، مادهٔ ۸۹ پروتکل الحاقی اول، کشورهای متعاهد را مکلف می‌سازد در موقع نقض‌های جدی کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پروتکل الحاقی مزبور، به صورت انفرادی یا دسته جمعی با همکاری سازمان ملل و طبق منشور ملل متحد اقدام کنند. در چهارچوب این ماده که با مطرح کردن طرفین متعاهد به جای طرفین مخاصمه به اجرای پروتکل اول الحاقی دایرهٔ شمول گسترده تری می‌دهد[1] محتمل ترین اقدام، ، اقدام شورای امنیت بر طبق فصل هفت منشور است. شورای امنیت، این کار را در خصوص عراق، سومالی و یوگسلاوی سابق انجام داده است. شکل دیگر اقدام جمعی در چهارچوب سازمان ملل متحد، بیان اعتراض در قالب قطعنامه های مجمع عمومی است.[2]

ی: حمایت کشورها:

از آنجایی که هیچ دولتی جریان تکفیری را به رسمیت نشناخته هیچ نوع حمایتی از آنها مشروع نخواهد بود. حمایت از جریان تکفیری جلوه های مختلفی دارد:

حمایت عقیدتی: جریان تکفیری مولد تفکرات وهابیت در عربستان است. دانشگاههای الایمان در یمن و ملک عبدالله در افغانستان نمونه ایی از این سرمایه گذاری است.

حمایت مالی: وزیر توسعه آلمان کشور قطر را حامی مالی می داند و نوری مالکی نیز قطر و عربستان را متهم معرفی کرده است.

حمایت نظامی: چندی پیش خبر تخلیه بارهای نظامی توسط هواپیماهای امریکا در مناطق موصل و جلولا و کوبانی منتشر شد و قبل از آن سلاح های ترکیه ای در میان سلاح های گزارش شده بود. تحویل سلاح کشتار جمعی به شورشان سوریه و کمک مالی ونظامی به داعش میتواند مصداق معاونت مذکور در ماده۳۵ اساسنامه دیوان بین الملل کیفری باشد.

حمایت رسانه ایی: تحریم رسانه ای سوریه و از طرف دیگر مصاحبه با عناصری از شورشیان سوریه و اخیرا با اعضای داعش توسط بی بی سی از این جمله است.

اعلامیه محو تروریسم بین المللی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۱۹۹۴ تروریسم را صرف نظر از ماهیت مرتکب محکوم کرده است. حمایت رسمی و دولتی عربستان از عقاید عبدالوهاب و ابن تیمیه که ریشه های عقیدتی تروریسم است این دولت تبدیل به یک دولت حامی تروریسم[3] تبدیل میکند. همین نظر توسط کارگروه ویژه مجمع برای طرح پیش نویس کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا میتوان گفت در این مورد با پدیده تروریسم دولتی مواجه هستیم. در عرف بین الملل در تعریفِ تجاوز، صراحتاً اعزام نیروهای مسلح، گروه‌ها، چریک‌ها و مزدوران را توسط از جانب یک دولت برای انجام عملیات قهری علیه دولت دیگر، جزء مصادیق تجاور معرفی کرده است.[4] تکفیری‌ها، به

1. Kalshoven, First. 2007. Reflection on the Law of War, Martnus Nijhof Publishers2007: 619
2. Kalshoven,
3. state sponsored terrorism
4. Wolfgang Bendek Alice Yotopoulos- marang opoulos, European Training Research Center for Human Rights and Democracy, 2004.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ویژه سلفی‌ها، که ظاهراً در سرزمین برخی از کشورهای عربی آموزش داده شده، و حمایت و پشتیبانی می‌شوند، ممکن است در برخی موارد، موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت حامی و پشتیبان خود را فراهم آورند. قطعنامه ۱۳۷۳ که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط شورای امنیت به تصویب رسید، ابراز می‌دارد: هر گونه حمایت فعال یا منفعل از دولت‌های تروریستی باید ممنوع شود و حمایت‌های مالی از تروریسم نیز ممنوع اعلام شده است. قطر نقش مرموزی را در تحولات جدید منطقه بازی کرده است. یکی از کشورهایی است که جریان سلفی را رهبری می‌کند. مذهب رسمی این کشور وهابی است، اما در ضدیت و رقابت با عربستان سعودی است. در قطر رهبرانی مانند قرضاوی هستند که سلفی اجتهادی هستند که با وهابیت عربستان بسیار فرق دارند. اگر تهدیدی از ناحیه ایران احساس نکنند، مایل هستند خود را از زیر سایه عربستان خارج کنند. به همین دلیل سیاست خارجی ایران باید به آن‌جا توجه بیشتری داشته باشد.[۵]

در راستای حمایت از سیاست خشونت، قطر، عربستان و ترکیه پایگاه‌هایی را برای آموزش و اعزام افراد (تکفیری و غیرتکفیری) به خاک سوریه ایجاد کردند. این افراد از کشورهای مختلف اسلامی و عربی هستند که به دست نظامیان آمریکایی و ترک آموزش دیده‌اند، سپس برای اجرای نقشه‌های خود، عازم سوریه شده و در قبال این اقدام، حقوق بالایی دریافت می‌کردند. هم‌چنین ایستگاه‌هایی برای انتقال سلاح به داخل سوریه نیز در نظر گرفته شده بود، که یکی از آن‌ها در منطقه تحت نفوذ سعد حریری رئیس جریان المستقبل لبنان و سمیر جعجع سیاست‌مدار لبنانی در بیروت است که هزینه مالی آن را عربستان و قطر تامین می‌کردند.[۶]

ک: کمک مالی به تکفیریان:

یکی از راه های مبارزه با تروریسم، مبارزه در هدف قرار دادن محل های تامین مالی تروریسم است. سازمان ملل و شورای امنیت قطع نامه های متعددی در تحریم و ممانعت از کمک های مالی تروریسم، را مورد تصویب قرار داده است که از آن موارد می‌توان به قطعنامه های ذیل اشاره نمود:

ـ قطعنامه ۱۲۶۷- مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ در مورد انسداد منابع مالی طالبان.

ـ قطعنامه ۱۳۳۳- مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰ در مورد انسداد منابع مالی اسامه بن لادن و القاعده.

ـ قطعنامه ۱۳۶۳- مورخ ۳۰ ژوییه ۲۰۰۱ در مورد ایجاد راه کارهای نظارت بر قطعنامه های ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳.

ـ قطعنامه ۱۳۷۳ – مورخ ۲۸ سپتانبر ۲۰۰۱ در مورد تهدیداتی که به واسطه عملیات تروریستی متوجه صلح و امنیت جامعه جهانی شده و تشکیل کمیته مقابله با تروریسم.

---

۱. داوود فیرحی، « مسائل جهان اسلام و تحولات اخیر کشورهای عربی از نقطه نظرات مختلف»، swen/ af/ ri. sserpnomeL /۲۹۸۰۴

۲. «قطر در رؤیای دستیابی به قدرت منطقه‌ای»، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۹۰/ ۹/ ۲۳ wohs/ tnetnoc/ af/ ten. haghsab. www//: ptth /۹۲۹۴۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ قطعنامه ۱۳۷۷ – مورخ ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱ در مورد درخواست از کشورها مبنی بر اجرای کامل قطعنامه ۱۳۷۳.

ـ قطعنامه ۱۳۹۰– مورخ ۱۹ ژوییه ۲۰۰۲ در مورد ادغام اقدامات قطعنامه ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳.

ـ قطعنامه ۱۴۵۲– مورخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲ در مورد استثنائات انسداد وجوه مقرر در قطعنامه ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳ در خصوص پوشش، هزینه های ضروری مثل غذا، اجاره، خدمات حقوقی.

ـ قطعنامه ۱۴۵۵– ۱۷ ژوییه ۲۰۰۳ در مورد اقداماتی در خصوص اجرای بهتر انسداد وجوه مقرر در قطع نامه‌های شماره ۱۲۶۷، ۱۳۳۳ و ۱۳۹۰.

طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون منع تامین مالی تروریسم اقدامات این جریان تکفیری تروریسم بین المللی محسوب می‌شود این ماده چنین مقرر می دارد:

کمک مالی به تروریسم طبق این کنوانسیونون و پناه دادن به آنها طبق قطعنامه های ۱۳۶۸و۱۳۷۳ تخلف بین المللی است. هر چند تروریسم یک جرم مشمول صلاحیت جهانی نیست اما کشورهای محل فعالیت آنها متعهدند که مجازات انگاری لازم برای تعقیب آن ها را داشته باشند.

بر اساس بند ۱ قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل، تامین مالی گروه های تروریستی[1] ممنوع است. مورد مذکور با توجه به مواد ۲۵[2]و ۴۸[3]منشور سازمان ملل متحد برای کلیه کشورها الزامی است.

شورای امنیت سازمان ملل پس از گذشت قریب به ۱۲ سال از ارتکاب جنایات تروریستی تکفیریان در منطقه و سکوت طولانی مدت به دلیل فشار افکار عمومی و برخی از کشورها و اعتراضات مستمر و متوالی رئیس جمهوری وقت عراق، ناگزیر شد قطعنامه ۲۱۶۹– مورخ ۲۱ ژوییه ۲۰۱۴ (۸ مرداد ۱۳۹۳) را به تصویب برساند. این قطعنامه نکات متعددی وجود دارد که دیدگاه شورا و اعضای دائم را در خصوص وضعیت امنیتی جاری عراق و همچنین آینده امنیت این کشور و منطقه در قبال فعالیت های داعش، نشان می‌دهد. البته شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۶۹ نتوانست در مورد ماهیت اقدامات داعش در عراق در قالب مفهوم «جنایات بین‌المللی» به ویژه جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت اتخاذ تصمیم نماید. اگرچه همانگونه که گفته شد تروریسم مصداق بارز تهدید علیه صلح جامعه بین المللی است و شورای امنیت مکلف است با توجه به اختیارات حاصله از منشور سازمان ملل نسبت به توقف و پیشگیری سریع از توسعه تروریسم عمل نماید ولی در عمل علیرغم شناسایی تکفیریان در مناطق تحت سلطه به عنوان تروریسم، در قطعنامه ۲۱۶۹ هیچگونه اشاره ای به توقیف یا مسدود شدن حساب های مالی نشده بلکه به موجب قطعنامه ۲۱۷۰ خود بر ضد گروهک تروریستی داعش، که به پیشنهاد بریتانیا مطرح شده بود، شورای امنیت با تکیه بر قطعنامه ۲۱۷۰ آمادگی خود را برای قرار دادن اسامی آنان و تامین کنندگان مالی و تسلیحاتی آنها در

---

1. Financing of terrorist acts.

۲. ماده ۲۵ منشورسازمان ملل:« اعضاء ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند».

۳. ماده ۴۸ منشورسازمان ملل: «اعضای ملل متحد مستقیماً و به وسیله اقدامات خود در سازمانهای بین‌المللی مربوط که عضو آن هستند تصمیمات مذکور را اجرا خواهند کرد».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست تحریم های مشمول شبکه القاعده، اعلام کند و این علیرغم قطعنامه های سابق در برخورد و اقدام جدی مبارزه با تروریسم، اقدام موثری نمی باشد و اگرچه در این قطعنامه از کشورهای جهان درخواست شده است که بر اساس قطعنامه ۱۳۷۳، از هرگونه تامین مالی برای اقدامات تروریستی جلوگیری کنند و مانع فراهم شدن حمایت مالی و سربازگیری گروه های تروریستی شوند ولی به صورت درخواستی (**call**) است نه الزامی (**shall**).

با فشار زیاد افکار عمومی در قدم بعدی شورای امنیت سازمان ملل به تروریسم تکفیری با نگاه جدی تری پرداخت که نتیجه آن تصویب قطعنامه ۲۱۷۸ – ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ است. این قطعنامه که توسط دولت آمریکا به شورا پیشنهاد شده بود هر چند به برخی از محورهای موردنظر راهبرد اوباما علیه داعش یعنی ظرفیت سازی در دولتهای در معرض خطر داعش به منظور جلوگیری از رشد این گروهها اشاره کرده اما اجازه اقدامات یکسویه برای مقابله با تروریسم را نداده است و آنها را مقید به رعایت موازین بین المللی و تمامیت ارضی دولتهای مذکور نموده است. کارکرد این قطعنامه به منزله تضمین حصر گروه‌های تروریستی در منطقه است. به واقع، مرکز ثقل این قطعنامه، قطع خطوط ارتباط افراد در سایر کشورها با گروه تروریستی داعش و النصره یعنی مانع شدن از عضویت آنها در این گروه های تروریستی است و نه نابودسازی گروه های مذکور. همچنین جنبه های ضد داعشی این قطعنامه بسیار کمتر از جنبه های کلی آن است. در واقع، این قطعنامه عمدتاً به عنوان یک قطعنامه علیه تروریسم است و نه علیه داعش. این در حالی است که قطعنامه های ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰ به صورت خاص علیه داعش و النصره تدوین شده بودند. در نهایت نیز در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ شورای امنیت سازمان برای افزایش فشار بر تروریست ها، با صدور قطعنامه ۲۱۹۹ پیشنهادی روسیه، ضمن ممنوع کردن تجارت آثار باستانی سوریه، خریداران نفت از گروه های تروریستی داعش و جبهه النصره را به اعمال تحریم تهدید کرد. شورای امنیت همچنین از همه کشورها خواست در ازای آزادی گروگان های دربندشان به تروریست ها باج ندهند. این قطعنامه که به اتفاق آراء به تصویب رسید، به لحاظ قانونی الزام آور است و به شورای امنیت اختیار می دهد تصمیم های مربوط به تحریم های اقتصادی را تصویب کند، اما همچنان متوسل شدن به نیروی نظامی را مجاز نمی داند.

ل: عدم اقدام به موقع در مقابل تروریسم:

اگرچه اقدامات جنایت کارانه تکفیریان در مناطق تحت سلطه به حدی مغایر ابتدایی ترین اصول رعایت و حفظ حقوق بشری است که کمتر تردیدی در سوق تکفیریان به سمت تروریسم است و این اقدامات به شکل گسترده ای در سال ۲۰۰۱ در سوریه در حال اتفاق بود ولی شورای امنیت دیرهنگام اقدام به صدور قطعنامه شماره ۲۱۶۹ مورخ ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴ (۸ مرداد ۱۳۹۳) نمود.[1] برابر بند سوم قطعنامه ۱۳۷۳ هر نوع

1. **United Nations: Security Council/ Resolution 2169/ 30 July 2014)Adopted by the Security Council at its 7230th meeting, on 30 July 2014) S/RES/2169.**

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

عمل تروریستی، صلح و امنیت بین المللی را تهدید می نماید و شورای امنیت برابر ماده ۲۴ از فصل پنجم منشور سازمان ملل مکلف است در موارد تهدید صلح و امنیت بین المللی، اقدام نماید.[۱۱]

بند سوم: نقض تعهدات کنوانسیون ۱۳۷۳

در بند ۲ (الف) قابل ملاحظه می باشد: «کلیه دولتها باید از هرگونه حمایت فعال یا منفعل از واحدها یااشخاص مرتبط با اعمال تروریستی پرهیز نمایند». بنابراین وجود معیارهای پیشگیرانه مقرر در زیر بند ۲ (ز) ضمن تقویت امنیت داخلی و بین المللی، منجر به ایجاد یک راهبرد مؤثر کنترل مرزی می گردد. زیر بند اخیرمقرر می دارد: «کلیه دولت ها باید از رفت و آمد تروریست ها یا گروه های تروریستی در مرزهای تحت کنترل خویش جلوگیری کرده و در صدور اسناد هویت و مسافرت کنترل های لازم را اعمال کنند».

گفتار سوم: اقدامات شورای امنیت در مورد گروه های تکفیری (در سوریه)

۵۸ عضو سازمان ملل در نامه مشترکی پیش نویس قطعنامه ای را به شورای امنیت این سازمان ارسال داشته و خواسته اند تا احتمال وقوع جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت در جنگ داخلی سوریه را برای رسیدگی به دادگاه کیفری بین المللی ارجاع کند. یش نویس قطعنامه توسط فرانسه تهیه شده و نماینده فرانسه در سازمان ملل از شورای امنیت خواسته است این پیشنهاد در جلسه شورای امنیت مطرح و به رای گیری گذاشته شود.

نماینده سوئیس گفته است که بر اساس شواهد موجود و تحقیقاتی که توسط نهادهای مرتبط با سازمان ملل صورت گرفته در جریان جنگ داخلی سوریه نیروهای دولتی شبه نظامیان وابسته به دولت و برخی گروه‌های مسلح مخالف به خصوص اسلامگریان تندرو، مرتکب اقداماتی شده اند که به احتمال زیاد از مصادیق جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت بوده است. سفیر سوئیس تاکید ورزید پیش نویس قطعنامه پیشنهادی مشخصا هیچک از طرف های درگیری را هدف نمی‌دهد بلکه منظور مجازات مرتکبین اینگونه جنایات در هر دو طرف و همچنین هشدار به دیگران است در پیشنهاد ارائه شده به شورای امنیت نقض فاحش و گسترده حقوق بشر و قوانین بشر دوستانه بین المللی در نظامیان طرفدار دولتبه شدت محکوم شده‌اند.

---

۱. ماده ۲۴ منشور سازمان ملل:« به منظور تامین اقدام سریع و موثر از طرف ملل متحد اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد از طرف آنها اقدام نماید».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مبحث چهارم: مجازات تکفریان و دولت های حامی

حال با توجه به موارد بالا در این قسمت می‌خواهیم به بررسی برخی ظرفیت‌های بین‌المللی برای برخورد با این جنایات بپردازیم:

گفتار اول: با استفاده از ظرفیت دیوان کیفری بین‌المللی

دادگاه کیفری بین‌المللی بر اساس معاهده رم، موسوم به قانون ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی، تأسیس شد. این پیمان از سال ۲۰۰۲ جنبه اجرایی یافت. هدف از تأسیس این دادگاه برخورد قضایی با مرتکبان جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت در انطباق با اهداف و آرمان‌های اولیه سازمان ملل متحد است. در صورتی که چنین جرایم و جنایاتی در کشورهای امضاکننده معاهده روی دهد، دادستانی دادگاه، این موارد را پی‌گیری و در صورت لزوم، دادگاه حکم پی‌گرد متهمان را صادر می‌کند. اما در خصوص سایر کشورها، آغاز روند قضایی مستلزم صدور قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل است. در حال حاضر، بیش از یکصد و بیست کشور جهان رسماً به این پیمان پیوسته‌اند. به موجب ماده ۵ اساس‌نامه جرایم در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان در چهار جرم صلاحیت رسیدگی خواهد داشت: ۱. نسل‌کشی؛ ۲. جرایم علیه بشریت؛ ۳. جرایم جنگی؛ ۴. تجاوز[۱] .

اگرچه بر اساس ماده ۱۳، فقط به دولت‌های عضو حق داده شده است که وضعیتی را به دیوان ارجاع دهند؛ به عبارت دیگر، ارجاع یک امر به دیوان از سوی دولت غیرعضو بی‌معناست و دیوان را موظف به رسیدگی نخواهد کرد، ولی بر اساس ماده ۱۲ از اساس‌نامه مذکور، در صورتی که ارجاع کننده وضعیت، دولت عضو یا دادستان باشد با ارجاع کننده شورای امنیت متفاوت است. این اختیار شورای امنیت بر اساس اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور ملل متحد می‌تواند به اقداماتی که برای صلح و امنیت جهانی لازم است دست بزند. هرچند این امتیاز برای جامعه جهانی وجود دارد که اگر کشوری عضو اساس نامه دیوان بین‌المللی کیفری نباشد از طریق شورای امنیت به موضوع رسیدگی شود ولی شورای امنیت بر اساس ماده ۱۶ از اساس نامه مذکور حق دارد از دیوان بخواهد که تحقیق یا تعقیب امری را تا ۱۲ ماه معلق کند و این درخواست می‌تواند تا ۱۲ ماه مجدداً تعویق شود. در واقع شورای امنیت به نوعی دارای حق وتوی موقت است.

گفتار دوم: با استفاده از ظرفیت صلاحیت جهانی

مفهوم «صلاحیت جهانی» (۳۹) را اولین بارکاولز (۴۰) در ۱۹۴۵ به کار برد. به نظر وی، برخی جرایم وجدان جهان متمدن و عموم مردم را آزرده می‌کند. لذا منافع دولت‌ها ایجاب می‌کند که مرتکبان جرایم

---

۱. **عبداللهی، محسن** و فاطمه کیهانلو، (۱۳۸۴) سرکوب **تروریسم** در حقوق بینالملل، معاونت پژوهش، تدوین. تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول، ص ۴۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مذکور را مجازات کنند. (۴۱) به نظر می‌رسد چهار گروه از جرایم در حوزه صلاحیت بین‌المللی قرار می گیرد.[۱۳]

الف. تجاوز

به موجب بند ۱ ماده ۵ اساس‌نامه، رسیدگی به جرم تجاوز در صلاحیت دیوان قرار گرفته است. در واقع کشور مورد تجاوز باید ابتدا نسبت به کشور خود اعمال صلاحیت قضایی کند. سپس دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت ورود دارد (بند ۲ ماده ۵).

ب. نسل کشی

ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۴۸ در خصوص نسل کشی مقرر کرده است که مرتکبان نسل‌کشی باید از طریق دادگاهی که جرم در حوزه آن ارتکاب یافته، یا از طریق دادگاه کیفری محاکمه شوند.

ج. جرائم جنگی

جرائم جنگی را تحت دو عنوان می‌توان مطرح کرد؛ گروه اول مواردی است که می‌تواند تحت عنوان تخلفات مهم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مطرح شود (مربوط به وضع بیماران و مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در میدان جنگ؛ کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی؛ کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ) بر اساس مواد ۴۹ از کمیسیون یکم و ماده ۱۲۹ از کمیسیون سوم و ماده ۱۴۶ از کنوانسیون چهارم دولت‌ها مکلف‌اند:

هر یک از متعهادین مکلف‌اند کسانی را که متهم به ارتکاب یا آمر به ارتکاب هر یک از تخلفات مهم هستند تحت تعقیب قرار دهند و آن‌ها را از هر ملیتی هستند تسلیم دادگاه‌های خود کنند. همچنین اگر ترجیح دهند و با قوانین داخلی خودشان هم مغایرتی نداشته باشد می‌توانند آن‌ها را برای محاکمه به طرف متعاهد دیگری که ظاهراً پرونده‌ای در مورد جرم تشکیل داده است به منظور محاکمه تحویل دهند.

گروه دوم از جرایم جنگی، تخلفات مهم از ماده ۳ مشترک بین کنوانسیون‌های ژنو و تخلفات مهم دیگر از قوانین و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی است. این تخلفات به طور سنتی به عنوان جرایمی که در حوزه صلاحیت بین‌المللی و جهانی قرار دارد شناخته نشده است. بر اساس قطع‌نامه شماره ۱۹۹۹۹/۱ مورخ ۶ آوریل ۱۹۹۹، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ...». همه گروه‌ها. . . در منازعه بین‌المللی که ویژگی بین‌المللی ندارد، گروگان‌گیری، قتل عمدی، شکنجه، رفتار غیرانسانی با افرادی که در درگیری‌ها شرکت فعال نداشته‌اند به عنوان تخلف بزرگ (۴۲) حقوق بی‌نالملل بشردوستانه تلقی

---

۱. شاه کرمی، نیما؛ خزدرو، سمیه (۱۳۹۳)، حقوق بشر و جریان های تکفیری، دانشکده حقوق، دانشگاه جامع علمی-کاربردی و دانشگاه علوم انتظامی امین، ص ۱۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

می‌شود و همه کشورها تعهد دارند متهمین به ارتکاب این دادگاه‌های داخلی خود محاکمه کنند». بنا برگزارش دیده‌بان حقوق بشر، سازمان داعش در درگیری‌های نظامی خود از کودکان و نوجوانان استفاده می‌کند. این گزارش بر پایه اطلاعاتی که ۲۵ نهاد عرضه کرده‌اند تنظیم شده است. در این گزارش نه تنها داعش متهم به استفاده نظامی از کودکان شده است، بلکه گروهک‌ها و سازمان‌های دیگری از جمله جبهه النصره سازمان نزدیک به القاعده، ارتش آزاد سوریه، جبهه اسلامی سوری و نیروهای امنیتی در مناطق کردنشین هم متهم به استفاده نظامی از کودکان شده‌اند. (۴۳) همچنین، بنا برگزارش روزنامه واشینگتن پست، نیروهای داعش ساکنان چند روستای ترکمن نشین در عراق را قتل عام کرده‌اند که در بین آن‌ها دو دختر خردسال هم وجود دارد. بنا بر گزارش یک پلیس محلی، تعداد مقتولان ۵۵ تن اعلام شده است. ده‌ها تن دیگر هم مفقودالاثر شده‌اند.[۱۴]

د. شکنجه

به موجب کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره شکنجه، هر دولت عضو هر کسی را که متهم به ارتکاب شکنجه است و در قلمرو او یافت شود، در صورتی که نخواهد وی را مسترد کند باید در دادگاه‌های داخلی خود محاکمه کند. نکته قابل ذکر اینکه کشورهایی که به کنوانسیون منع شکنجه نپیوسته‌اند، بدون آنکه ملزم باشند می‌توانند با استناد به حقوق بین‌الملل عرفی صلاحیت جهانی خود را در خصوص شکنجه اعمال کنند.

گفتار سوم: با استفاده از ظرفیت تروریسم

در جهان کنونی ۷ کنوانسیون بین‌المللی منطقه‌ای مقابله با تروریسم، که موضوع آن مقابله با تروریسم است، وجود دارد. همچنین، ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی جهانی (که اختصاص به منطقه خاصی ندارد) نیز وجود دارد. فهرست کنوانسیون‌های موجود عبارت است از:

-کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم[۱۵]

-کنوانسیون عربی مقابله با تروریسم[۱۶]

–کنوانسیون اروپایی مقابله با تروریسم[۱۷]

-کنوانسیون منع و مجازات اعمال تروریستی، که به شکل جرایم علیه اشخاص و تصرف اموال آن‌ها ارتکاب می‌یابد و اهمیت بین‌المللی دارد.[۱۸]

---

۱. مهدوی ثابت، محمدعلی: ۱۳۸۵، جزوهٔ «درس حقوق جزای بین‌الملل»، دورهٔ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکدهٔ حقوق، ص ۲۹

2. convention of the organisation of the islamic conference
3. The arab convention for the suppression of terrorism
4. Eropean convention on the suppression of terrorism.
5. convention to prevent and punish the acts of terrorism taking the form of crimes against persons and related extortion that are of international significance

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

-کنوانسیون منع و مقابله با تروریسم [1]

-کنوانسیون منطقه **SAARC** در خصوصی مقابله با تروریسم [2]

-معاهده همکاری بین کشورهای مستقل مشترک المنافع در خصوص مقابله با تروریسم [3]

مطابق بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی:

تروریسم به هر گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده اطلاق می‌شود که علی رغم مقاصد یا انگیزه‌اش به منظور اجرای برنامه مجرمانه فردی یا گروهی با هدف ایجاد رعب بین مردم با تهدید به آسیب رساندن یا به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی‌ها، امنیت یا حقوق آن‌ها یا به خطر انداختن محیط زیست یا هر گونه تأسیسات یا اموال عمومی یا خصوصی یا تصرف آن‌ها یا به خطر انداختن منابع ملی یا تأسیسات بین‌المللی یا تهدید کردن ثبات یا تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام می‌گیرد[4].

دو معیار برای شناسایی یک گروه به عنوان گروه تروریستی در حقوق بی‌نالملل وجود دارد: معیار اول اهداف است؛ یعنی اهداف یک گروه اگر برخلاف حقوق بی‌نالملل باشد می‌تواند گروه را تروریستی جلوه دهد؛ دیگری فعالیت‌های گروه است. داعش بر مبنای هر دو معیار تروریستی محسوب می‌شود و بر همین اساس لازم است سریع‌تر دولت عراق و سایر دولت‌ها پی‌گیری کنند که در شورای امنیت سازمان ملل نام داعش در فهرست سازمان‌های تروریستی درج شود تا آثار حقوقی مختلف بر عمل کرد این گروه و حامیان آن بار شود.

گفتار چهارم: با استفاده از ظرفیت شورای امنیت

شورای امنیت می‌تواند بر اساس اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به اقداماتی که برای حفظ صلح و امنیت جهانی لازم است دست بزند. در واقع در چارچوب منشور، شورای امنیت، آن را به عنوان نقض صلح، تهدید صلح و تجاوز معرفی کند؛ آن‌گاه می‌تواند قطع‌نامه صادر کند و اجازه توسل به زور را به اعضای خود بدهد. مثل تجاوز عراق به کویت در ۱۹۹۱ که شورای امنیت سازمان ملل به همه دولت‌ها اجازه داد با توسل به زور جلوی تجاوز عراق به کویت را بگیرند و آمریکا هم در چارچوب قطعنامه ۶۷۸ وارد عمل شد. تنها اقدام شورا در این زمینه، تنظیم یک بیانیه مطبوعاتی از سوی رئیس دوره‌ای شورای امنیت است؛ بیانیه‌ای مختصر و بی‌رمق که در ۱۱ ژوئن به وسیله ویتالی چورکین، رئیس دوره‌ای شورا به صورت مطبوعاتی ارائه شده است. این بیانیه، در میان اسنادی که شورا منتشر می‌کند، پایین‌ترین درجه اهمیت را دارد و فاقد اعتبار حقوقی است.[5] با این حال، شورا در این موارد کوشیده است

1. Oau convention on prevention and combating of terrorism
2. SAARC regioanal convention on suppression of terrorism
3. Treaty on cooperatiopn among states members of the commonwealth of independence states in combating terrorism

۴. مهدوی ثابت، پیشین، ص ۲۷

۵. مهدی فرمانیان؛ (۱۳۹۳)، پیشین، ص ۱۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با واکنش مطبوعاتی به یک سلسله پدیده‌های بین‌المللی، خود را از اتهام «عدم رسیدگی» یا «چشم پوشیدن بر تحولات» مبرا کند. در این تحلیل، به اهم موارد و مفاهیم این بیانیه اشاره می‌شود:

۱- شناسایی ماهیت تروریستی داعش؛ شورا در این بیانیه بلافاصله با این عبارت آغاز می‌کند که دولت اسلامی عراق و شام، یک سازمان تروریستی است. این توصیف از داعش به معنای تکمیل اقداماتی خواهد بود که در سطح ملی و به وسیله برخی کشورها در خصوص قرار دادن نام داعش در گروه‌های تروریستی به عمل آمده است.

۲- اقدامات داعش در عراق، ماهیت تروریستی دارند. از این رو در چارچوب موازین و هنجارهای مرتبط با «راهبرد جهانی ضدتروریسم» قابل تعقیب، پی‌گیری و واکنش هستند. در این زمینه، البته که دولت عراق می‌تواند حقوق و راهبردهای ملی خود علیه تروریسم را در ابعاد مختلف اعمال و اجرا کند. با این حال، عراق بعد از اشغال، هنوز قادر به ایجاد یک حقوق قوی ضدتروریستی نبود و ضعف‌های فراوانی داشت و فاقد ساختارهای هنجاری، ظرفیت پی گیری و اقدام ضدتروریستی است.

۳- این بیانیه از موارد متعددی از جنایات داعش نام برده است، از جمله: کشتار غیرنظامیان و نیروهای پلیس، آواره کردن صدها هزار نفر از سکنه عراق، ناپدید شدن گسترده مردم، گروگان‌گیری مأموران کنسولی و سیاسی دولت‌های خارجی. با این حال، هیچ یک از موارد فوق را تحت عنوان «جنایت بین‌المللی» نشمرده است و فقط به عنوان «حمله تروریستی یا اقدام تروریستی» تلقی کرده است.

۴- شورا در کل، بار مسئولیت مقابله با داعش را بر دولت مرکزی قرار داده است و از همکاری ساختارهای سیاسی داخل عراق، از جمله حکومت اقلیم برای حفظ وحدت سیاسی و مقابله با تروریسم، استقبال کرده است. در نتیجه، هیچ گونه همکاری بین‌المللی خاصی را در مقابله با داعش مد نظر قرار نداده است.

۵- نگرانی شورا عمدتاً معطوف به تمامیت ارضی عراق است و از اینکه اقدامات داعش سبب ایراد صدمه بر وحدت سرزمینی عراق شود، نگرانی خود را ابراز داشته است. این امر می‌تواند واکنش به آن چیزی باشد که تحت عنوان طرح تجزیه عراق در محافل تحلیلی مد نظر قرار گرفته و مطرح شده است.

۶- شورا برای ایجاد امنیت در عراق، دو تعهد ویژه را به دولت‌ها یادآوری می‌کند: تعهد به تضمین اتخاذ تدابیر در مقابله با تروریسم با رعایت موازین بین‌المللی؛ تعهد به اعمال تحریم‌های هدفمند علیه گروه‌های تروریستی در سه محور تحریم مالی، تحریم تسلیحاتی و تحریم مسافرت و جابه‌جایی داعش و اعضای آن[1].

۱. فرمانیان، پیشین، ص ۲۰

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مبحث پنجم: وظیفه جامعه جهانی در قبال جنایات تکفیریان

گفتار اول:. مداخله نظامی دیگر کشورها

عمده بحث‌هایی که در حقوق بین‌الملل سنتی وجود دارد درباره مداخله کشورها در خاک و قلمرو یکدیگر است. در خصوص شورش‌های داخلی یا اقداماتی که درون یک کشور صورت می‌گیرد معمولاً حقوق بین‌الملل مداخله‌ای نمی‌کند، یا بهتر است بگوییم رویّه‌های روشنی ندارد. مشخص نیست این اقدامات را چگونه تعریف می‌کند. گاه آن‌ها را اقدامات تروریسی می‌داند، گاه شورش، و گاه اعتراض‌های مردمی. این موضوع از دو منظر قابل بررسی است. نخست اینکه بررسی شود که چنانچه افرادی در یک کشور مرتکب جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت شدند آیا کشورها می‌توانند بدون درخواست کمک از کشور درگیر، رأساً وارد عمل شوند و مرتکب یا مرتکبان را تعقیب یا مجازات کنند؟ پرسش دوم اینکه اگر کشور درگیر نیاز به کمک داشته باشد آیا کشورها می‌توانند در خاک کشور درخواست کننده اقدام نظامی انجام دهند یا خیر؟ بنا بر قوانین بین‌المللی، اگر کشور عراق از کشورهای دیگر درخواست مداخله نظامی داشته باشد مشکلی از لحاظ حقوق بین‌الملل به وجود نمی‌آید، اما باید بررسی کرد که کشور عراق در چارچوب قانون اساسی در مورد درخواست کمک نظامی از سایر کشورها چه وضعیتی دارد .همچنین وضعیت پارلمان هم باید بررسی شود که آیا برای این مداخله نظامی نیازی به تصویب پارلمان وجود دارد یا نه. معمولاً در قانون اساسی این موارد پیش بینی شده است. اگر تکلیف این مسائل قانونی تعیین شود از نظر قوانین بین‌المللی بعد از درخواست دولت عراق منعی برای مداخله وجود ندارد[1].

گفتار دوم: پرداخت خسارت از سوی کشورهای تأییدکننده اقدامات تروریست‌ها

چنانچه شورشیان به عنوان طرف مخاصمه به رسمیت شناخته شوند، این مسئله موجب تبدیل شدن درگیری به یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی می‌شود که می‌تواند حقوق بشردوستانه کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل دوم (در صورت عضویت) را بر آن جاری کند. همچنین این وضعیت موجب ایجاد وضعیت بی‌طرفی برای دولت‌های دیگر می‌شود. به رسمیت شناختن آن‌ها به عنوان نماینده مشروع مردم (مانند به رسمیت شناختن دولت انتقالی لیبی از سوی اکثر کشورها) فقط می‌تواند کمک مالی به آن‌ها را توجیه کند (در عرفی بودن این حق تردید وجود دارد) و نمی‌تواند به کمک نظامی منجر شود؛ چرا که در این حالت دولت مرکزی همچنان به رسمیت شناخته می‌شود و چنین مداخله‌ای مداخله در امور داخلی خواهد بود.[2] اما به رسمیت شناختن به عنوان حکومت می‌تواند کمک نظامی را میسر کند؛ چرا که در این حالت از نظر دولتی که به رسمیت شناخته است جای دولت مرکزی و شورشیان عوض شده است و دولت مرکزی دیگر به رسمیت شناخته نشده است. در این حالت، مفهوم مداخله در امور داخلی متحول می‌شود و حقوق و

---

۱. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی ساختار و تشکیلات گروه های تروریستی، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۱۱

۲. فرمانیان، پیشین، ص ۲۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تکالیف حکومت برای طرفین از قبیل امکان انعقاد معاهده و مصونیت نمایندگان و اموال آن‌ها و البته مسئولیت بین‌المللی آن‌ها در قبال یکدیگر به وجود می‌آید.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن یافته های این پایان نامه نتایج ذیل به دست آمد:

تکفیر، ریشه افراطی گری دینی دارد و از زمان های قدیم در حکومت های مذهبی به دلیل تعصبات مردم جاهل، دارای ریشه های محکمی شده است. در تاریخ اسلام با مشاهده حکومت های اسلامی، با تشکیل حکومت های سنی مذهب و در دست گرفتن قدرت، متاسفانه با تفسیرهای سطحی از دین بسیاری از مخالفان خود را در قالب عمل به احکام اسلامی، گردن زده که این عمل به عنوان حق دفاع مشروع برای مخالفان و برخی از شیعیان (شیعیان دارای فرقه های مختلفی هستند) باقی می ماند. آنچه در این تحقیق بدان اشاره شد، ریشه تکفیر را می‌تواند افراطی گری اسلامی و تفسیر سطحی معارف دینی دانست که با بررسی آیات قرآنی و فقه عامه و شیعه، تکفیر بدان معنایی که امروز به صورت رعب آوری در قالب حکم مقدس جهاد استفاده می‌شود، وجود ندارد. بلکه آیات و روایات نقلی از شیعه و سنی همگی تاکید بر این دارد که مرز کفر و دین و خروج از دین، نمی‌تواند اقرار زبانی باشد به عبارت دیگر مسلمانان پس از گفتن شهادتین مسلمان هستند ولی در صورتیکه به برخی از اصول قابل احترام در نزد مذاهب اعم از شیعه و اهل سنت احترام نگذارند می‌توانند فاسق باشند. همانگونه که بیان شد، فرد فاسق؛ خارج از دین تلقی نمی گردد بلکه در درجات پاداش نزد خداوند متعال، دارای اجر کمتری است.

شواهد نشان می‌دهد که کشورهای غربی، نه تنها برای نابودی گروه‌های تکفیری و تندرو تلاش نمی‌کنند، بلکه به شیوه‌های مختلف از آنان حمایت می‌کنند. چنان‌که بر اساس برخی گزارش‌ها، حمایت آمریکا و بعضی از کشورهای عربی از گروه‌های تکفیری، مانند لشگر جهنگوی و غیره، تا اندازه‌ای است که برخی منابع غربی از شماری از کشورهای عربی با عنوان «عابربانک تروریست‌ها» یاد کرده‌اند و جالب آنکه وزارت خارجه آمریکا، حمایت مالی این کشورها از تروریسم، مانند طالبان و لشکر طیبه در پاکستان را به رسمیت می‌شناسد.

با عنایت به مطالب فوق و مندرج در این تحقیق، درنهایت می‌توان به این نتیجه گیری رسید که دولت های حامی تروریسم (عربی، غربی) بسته به نوع حمایت خود از گروهای تکفیری (که در عداد تروریسم قرار می‌گیرند) و متناسب با ایفاء نقش مستقیم (اعزام و تقویت نیروی انسانی و تجهیزات جنگی. . .) و غیر مستقیم (در اختیار گذاشتن مرزهای هوایی و زمینی، کمک های مالی. . .) در برابر جامعه بین الملل بخاطر هجوم، تعرض، کشتار (خصوصاً مردم بی گناه از زن و کودک، مجرحین و. . .)، از بین بردن زیر ساخت ها (از جمله بیمارستانها، پل ها، مخازن آب، نیروگاههای برق و. . .)و سایر جنایات دیگر، نه تنها مسئول و دارای ضمان هستند و بلکه بایستی ضمن اینکه عذر خواهی می نمایند نسبت به جبرات تمام صدمات و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آسیبهایی که به مردم و زیر ساخت ها (از حیث مادی و روانی) وارد آورده اند، جبران نمایند؛نکته مهمتر اینکه سران دولت های حامی از تروریسم تکفیری و آنانی که با اذن ایشان وارد صحنهی کار زار برعلیه مردم و دولت های قانونی شده اند از تعقیب قضایی و قانونی مراجع ذیصلاح داخلی و البته بین المللی مصون نمی باشند، و مطمئناً بلحاظ نقض آشکار قواعد ماهوی حقوق بین الملل جنایتکار شناخته شده و حسب نوع حمایت و همراهی آنان با تروریسم تکفیری در مقام شریک و یا معاونت در جرم وجنایات تکفیرها در محاکم صالحه قابلیت تعقیب و مجازات دارند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اردبیلی؛ محمد علی: ۱۳۸۰، مفهوم تروریسم« تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها، همایش پنجم و ششم، انتشارات جنگل، چاپ اول.

ـ اشمید، الکس، ۱۳۸۰، سرزمین های بحران زده: جایی که تبهکاران پادشاه اند، مجله :پیام یونسکو « خرداد ۱۳۸۰، سال سی و یکم - شماره ۳۶۹

ـ الکس پ. اشمید، الإرهاب والجریمۀ.

ـ بهارلو، اکبر(۱۳۸۰) کنکاشی در مبانی و تعاریف ترور و تروریسم، مجله پگاه حوزه، مهرماه، شماره ۲۳

ـ تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی ساختار و تشکیلات گروه های تروریستی، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی

ـ توکلی، یعقوب (۱۳۸۸). دو نظریه تروریسم و فداکاری در ایران، انتشارات سوره مهره، ص۱۳

ـ جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ص ۱۵۰.

ـ حامی، نصرت الله (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل عرفی در مورد تابعیت مضاعف، مجله حقوقی، شماره ۳.

ـ حمید رضا اسماعیلی، القاعده از پندار تا پدیدار، ص ۵۸- ۵۹.

ـ ره بیک؛ سیامک:۱۳۹۰: «تحلیل تروریسم در نسبیت مفهومی امنیت و منافع ملی»، «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجموعه مقالات، انتشارات جنگل، چاپ اول.

ـ شاه کرمی، نیما؛ خزدرو، سمیه (۱۳۹۳)، حقوق بشر و جریان های تکفیری، دانشکده حقوق، دانشگاه جامع علمی-کاربردی و دانشگاه علوم انتظامی امین،

ـ شریفی، محسن: ۱۳۸۵، « فقر: تهدید امنیت بین‌المللی در قرن ۲۱»، فصل نامه راهبرد، ش ۳۹.

ـ صالحی‌نیا؛ سعید:۲۰۱۲، خطر پیشبرد سناریوهای دولت‌سازی و وظایف چپ، انتشارات راستین، تهران، چاپ اول.

ـ ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۳) مسوولیت دولت های حامی جریان تکفیری از منظر حقوق بین الملل، جزوه درسی، دانشکده حقوق، تارنمای دانشگاه قم

ـ عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۶، فهم تروریسم، مجله امنیت، بهار، شماره ۳

ـ عبداللهی، محسن و فاطمه کیهانلو، (۱۳۸۴) سرکوب تروریسم در حقوق بینالملل، معاونت پژوهش، تدوین. تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول

ـ عبدالقیوم فدوی، اسامه بن لادن و ماجراها،

ـ عبید حسنین، الجریمۀ الدولیۀ دراسۀ تحلیلیۀ تطبیقیۀ،

ـ فرمانیان، مهدی؛ (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات کنگره جهانی «جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، قم: دارالإعلام لمدرسۀ اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول

ـ قانون مقابله با تروریسم، شماره ۱۳، مصوّب ۲۰۰۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۷جلد، دار الإعلام لمدرسۀ اهل البیت (علیهم السلام)، قم، ایران، چاپ: ۱.

ـ محمدی، داود(۱۳۷۵) تروریست های ضد تروریسم، روزنامه سلام، ۲۱ مهرماه

ـ مهدی بخشی، شیخ احمد(۱۳۸۹)، « بررسی و عوامل اندیشه‌ای و عینی شکل‌گیری القاعده»، پایان نامه کارشناسی ارشد.

ـ مهدوی ثابت، محمدعلی: ۱۳۸۵، جزوۀ «درس حقوق جزای بین‌الملل»، دورۀ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکدۀ حقوق

ـ منصور میراحمدی، «مقایسه ویژگی‌های معرفت شناختی جریان‌های فکری سیاسی معاصر در جهان اسلام»، فصل‌نامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۵.

ـ نصیری دامغانی، عباس (۱۳۹۳). جریان شناسی سلفی تکفیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی

__ A memory of solferino (Geneva; International committee of red cross;1986)

__ Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949.

__ Jean - Marie Henckarets and Louise Doswald - Beck. 2005. Customary International Humanitarian Law. London. CambridgeUniversity Press. , 2005: 510

__ Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977

__ The Geneva convention for Amelioration of the condition the Wounded in Armies in the Field (adopted 22 Agust 1864; entered into force 22 june 1865)

__ The Prosecutor v. Duško Tadic, Case No.: IT-94-1-T, Trial Chamber II, 14 July 1997.

__ Kalshoven, First. 2007. Reflection on the Law of War, Martnus Nijhof Publishers2007: 61

__ United Nations: Security Council/ Resolution 2169/ 30 July 2014)Adopted by the Security Council at its 7230th meeting, on 30 July 2014) S/RES/2169

__ United Nations: Security Council/ Resolution 2169/ 30 July 2014)Adopted by the Security Council at its 7230th meeting, on 30 July 2014) S/RES/2169 .

__ Wolfgang Bendek Alice Yotopoulos- marang opoulos, European Training Research Center for Human Rights and Democracy, 2004 .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]